

# اهل بیت در قرآن کریم



محمد تقی صرفی پور



سپاس بیکران خداوند حکیم و صلوات فراوان بر سرور انبیاء حضرت محمد مصطفی و اهل بیت طاهرینش  
اهل بیت نورهای الهی در زمین هستند که بواسطه آنها دین الهی حفظ می شود و بوسیله آنها عده زیادی هدایت  
یافتند و هدایت آنها تا قیامت ادامه دارد.

یکی از راههای شناخت جایگاه اهل بیت، از طریق قران کریم می باشد. در این کتاب اسمانی که کامل ترین  
کتاب اسمانی هست بارها و بارها به مقام و جایگاه اهل بیت اشاره نموده است.

ما در این کتاب تعدادی از آیات قران کریم در این مورد را آورده ایم. امید است مورد استفاده خوانندگان  
محترم قرار گیرد.

بهار 1402. کرمانشاه

## آیه ولایت

علي(عليه السلام)، از دیدگاه قرآن، یکی از اولیای خدا قلمداد گردیده است و در همان آیه، به ولایت وی بر مؤمنان تصریح می نماید، انجا که می فرماید:

«إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ (1)».

- تنها سرپرست شما خدا و رسول او و کسانی هستند که ایمان آورده اند و نماز را به پای می دارند و در حال رکوع، زکات می پردازند.

---

۱- مائده: ۵۵

روایات صحاح و مسانید اهل سنت نیز بر این امر تصریح نموده اند که آیه شریفه در حق علي(عليه السلام) آنگاه که در حال رکوع، انگشتر خود را به فقیر بخشید فرود آمده است (1). هنگامی که این آیه درباره علي(عليه السلام) نازل گشت، حسان بن ثابت این واقعه را چنین به نظم درآورد:

فَأَنْتَ الَّذِي أُعْطِيتَ إِذْ أَنْتَ رَاكِعٌ \*\*\* فَدَثَكَ نَفْسُ الْقَوْمِ يَا خَيْرَ رَاكِعٍ

فَأَنْزَلَ فِيكَ اللَّهُ خَيْرَ وَلَايَةٍ \*\*\* وَبَيْنَهَا فِي مُحْكَمَاتِ الشَّرَائِعِ

- تو آن کسی هستی که در حال رکوع، بخشش نمودی، جانها فدای تو باد ای برترین رکوع کنندگان.

- پس خدا بهترین ولایت را درباره تو فرو فرستاد و آن را در احکام خلل ناپذیر شریعتها بیان فرمود.

1- مدارک نزول این آیه در مورد مذکور، بیش از آنست که در اینجا گردآوری شود. لکن از میان این مدارک انبوه، به برخی از آنها اشاره می نماییم:

1- تفسیر طبری، ج ۶، ص ۱۸۶

2- احکام القرآن (تفسیر جصاص)، ج ۲، ص ۵۴۲

3- تفسیر بیضاوی، ج ۱، ص ۳۴۵

4- الدر المنثور، ج ۲، ص ۲۹۳

\*\*\*

### اهل بیت اولی الامر هستند

( يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ . )

ای اهل ایمان ! از خدا اطاعت کنید و نیز از پیامبر و صاحبان امر خودتان که امامان از اهل بیت و هم چون پیامبر دارای مقام عصمت اند اطاعت کنید . . .

را بر پیامبرش محمد نازل کرد من گفتم : ای فرستاده خدا ! ما خدا و پیامبر را شناختیم ، اولوالامری که خدا طاعتشان را به طاعت تو مقرون نموده کیانند ؟ حضرت فرمود : جابر ! جانشینان من و پیشوایان مسلمانان پس از من هستند ؛ اول آنان علی بن ابی طالب سپس حسن و حسین آنگاه علی بن الحسین و بعد محمد بن علی که در تورات معروف به باقر است و تو او را درك می کنی ، هرگاه زیارتش کردی سلام مرا به او برسان سپس صادق جعفر بن محمد و بعد از او موسی بن جعفر و پس از او علی بن موسی آنگاه محمد بن علی سپس علی بن محمد سپس حسن بن علی آنگاه هم نام و هم کنیه من حجت خدا در زمین و باقی مانده او در میان بندگان فرزند حسن بن علی خواهد بود ، همان که خدای متعال ، خاور و باختر زمین را به دست او بگشاید و همان که از دیده شیعیان و دوستانش پنهان خواهد شد و در آن زمان جز آنکه خدا دلش را برای ایمان خالص کرده ، کسی در اعتقاد به امامت او پابرجا و استوار نخواهد ماند

1 - نساء ( 4 ) : 59 .

2 - مناقب : 282/1 ; کمال الدین : 253 ; کفایة الأثر : 53 .

\*\*\*

معنای اهل بیت (علیهم السلام) به شجره طیبه است .

امام صادق (علیه السلام) شجره طویه را که حضرت حق در قرآن در سوره ابراهیم ذکر فرموده ، در برابر پرستشی که عمرو بن حرث از آن حضرت درباره آن می پرسد چنین توضیح می دهد :

رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) أَصْلُهَا ، وَأَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) فَرْعُهَا ، وَالْأَيْمَةُ مِنْ ذُرِّيَّتِهِمَا أَغْصَانُهَا ، وَعِلْمُ الْأَئِمَّةِ ثَمَرُهَا ، وَشِيعَتُهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَرَقَّتُهَا ، قَالَ وَاللَّهِ إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيُولَدُ فَتُورِقَ وَرَقَّةٌ فِيهَا وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَمُوتُ فَتَسْقُطُ وَرَقَّةٌ مِنْهَا .

پیامبر خدا ریشه آن و امیرالمؤمنین تنه آن و امامان از نسل پیامبر و علی شاخه های آن و دانش امامان میوه آن و شیعیان مؤمنشان برگ آن هستند . فرمود : به خدا سوگند که مؤمن به دنیا می آید پس درخت برگی برمی آورد و مؤمن از دنیا می رود پس از درخت برگی می افتد .

1 - ابراهیم ( 14 ) : 24 .

2 - الکافی 428/1 ، باب فيه نكت وتنف من التنزيل فى الولاية ، حديث 80 ( با کمی اختلاف ) ؛ تفسیر الصافی : 886/1 .

\*\*\*

حضرت امام رضا علیه السلام در مجلس مامون که در مرو تشکیل یافته بود حضور یافتند، و در آن مجلس جمعی از علمای اهل عراق و خراسان حضور داشتند.

مامون گفت: از معنای این آیه مرا مطلع کنید:

**ثم اورثنا الكتاب الذين اصطفينا من عبادنا.**<sup>[31]</sup>

«سپس ما کتاب را به ارث دادیم به آن کسانی از بندگان ما که آنها را برگزیده ایم».

علماء گفتند: مراد خداوند از این بندگان برگزیده، جمیع امت هستند.

مامون گفت: ای ابوالحسن، تو در این باره چه می گوئی؟!

حضرت فرمود: من این طور که اینها می گویند نمی گویم، و لیکن من می گویم که: مراد از برگزیدگان در این آیه، عترت طاهره رسول خدا هستند.

مامون گفت: چگونه خداوند از این کلمه، عترت را اراده کرده است، و امت را اراده نکرده است؟!

حضرت فرمود: اگر از این کلمه، امت را اراده کرده بود، لازمه‌اش این بود که جمیع امت داخل در بهشت شوند، زیرا پس از آنکه می‌فرماید:

**فمنهم ظالم لنفسه و منهم مقتصد و منهم سابق بالخيرات باذن الله ذلك هو الفضل الكبير**<sup>[32]</sup> «بعضی از آنها نسبت به خود ستم می‌نمایند، و بعضی راه اقتضاد پیش می‌گیرند، و بعضی در خیرات به اذن خدا سبقت می‌گیرند، و اینست فضل بزرگ»، همه را در بهشت جمع می‌کند و می‌فرماید:

**جنان عدن يدخلونها يحلون فيها من اساور من ذهب و لؤلؤا و لباسهم فيها حرير**<sup>[33]</sup>. «در بهشت‌های عدن داخل می‌شوند، و در آنجا از دستبندهای طلا به آنان زینت می‌کنند، و به لؤلؤ نیز آنها را می‌آرایند، و لباس آنها حریر است».

(و بنابراین چون همه امت در بهشت نیستند، لا محاله مراد از کلمه برگزیدگان که شامل سه صنف مزبور می‌شود، عترت است) **فصار الوراثة للعترة الطاهرة لا لغيرهم** «و بنابراین وراثت کتاب خدا منحصر در عترت طاهره می‌شود، نه در غیر ایشان».

مامون گفت: عترت طاهره چه کسانی هستند؟!

حضرت فرمود: **الذين وصفهم الله تعالى في كتابه، فقال:**

**انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت و يطهركم تطهيرا»، و هم الذين قال رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم: «انى مخلف فيكم الثقلين: كتاب الله و عترتى اهل بيتى، الا و انهما لن يفترقا حتى يردا على الحوض، فانظروا كيف تخلفوني فيهما! ايها الناس لا تعلموهم فانهم اعلم منكم»!** «آن کسانی که خداوند ایشان را در کتاب خود توصیف نموده و گفته است: «اینست و جز این نیست که خدا اراده کرده است که از شما اهل بیت، هر رجس و پلیدی را از بین ببرد، و به طهارت کلیه و مطلقه برساند». و ایشانند آن کسانی که رسول خدا صلى الله عليه و آله و سلم درباره آنها فرمود: «من دو متاع نفیس و پر قیمت در میان شما از خود می‌گذارم: کتاب خدا و عترت من اهل بیت من! آگاه باشید که آن دو هیچگاه از هم جدا نمی‌شوند تا در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند! شما ای مردم نظر کنید و ببینید که

چگونه این خلافت و یادگاری مرا در آن دو چیز محترم می‌شمارید؟! و مرا در آنها حفظ می‌کنید؟! ای مردم شما ایشان را تعلیم نکنید! و چیزی یاد ندهید! زیرا که آنان از شما داناترند».

در اینجا علماء می‌پرسند از آنحضرت که مراد از عترت رسول الله همان آل رسول الله است؟!

حضرت پاسخ می‌دهند: آری!

[31] - صدر آیه 32، از سورة 35: فاطر.

[32] - ذیل آیه 32، از سورة 35: فاطر

\*\*\*

**مراد از اهل ذکر در آیه فاستلوا اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون.** [7] «از اهل ذکر بپرسید اگر نمی‌دانید» اهل بیت می‌باشند.

مراد از حبل خدا در آیه **و اعتصموا بحبل الله جميعا و لا تفرقوا.** [8] «همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و تفرقه و جدائی مکنید» اهل بیت رسول خدا هستند.

آنان صراط مستقیم و عروه وثقی هستند که **لا یقبل الله الاعمال من العباد الا بولايتهم علیا** «خداوند اعمال بندگان را نمی‌پذیرد مگر آنکه آنان علی را ولی و مولای خود بدانند».

مراد از نعیم در آیه شریفه **ثم لتسئلن يومئذ عن النعیم.** [9] «و سپس شما درباره نعمت و نعیم مورد بازپرسی قرار خواهید گرفت» نعمت ولایت است.

و مراد از مؤاخذه و سؤال در آیه:

**وقفوهم انهم مسئولون.** [10] «ایشان را در موقف قیامت نگهدارید، که باید مؤاخذه و مورد سؤال واقع شوند» سؤال و مؤاخذه از ولایت است.

در آیه مباهله:

**فمن حاكك فيه من بعد ما جاءك من العلم فقل تعالوا ندع ابناءنا و ابناءكم و نساءنا و نساءكم و انفسنا و انفسكم ثم نبتل فنجعل لعنة الله على الكاذبين.** [13]

«و اگر کسی درباره تولد مسیح از خدا و الوهیت او با تو از در مخاصمه و محاجه درآید، بعد از اینکه حقیقت امر و علم به واقع به تو رسیده و مکشوف گردیده است، پس به آنها بگو: بیائید ما پسران



خود را و پسران شما را بخوانیم، وزن‌های خود را وزن‌های شما را بخوانیم، و نفس‌ها و جان‌های خود را و نفس‌های شما را بخوانیم، و سپس به سوی خدا ابتهال و تضرع و زاری کنیم، و لعنت و دور باش از رحمت او را بر هر دسته‌ای از ما و شما که دروغ‌گوست قرار دهیم» مراد از انفسنا، نفس امیر المؤمنین است، که در این آیه نفس رسول خدا قرار داده شده است.

**در آیه فی بیوت اذن الله ان ترفع و يذكر فیها اسمہ.**

تجلیات نور الهی که در شبکه‌های عالم امکان گسترش یافته است، «در خانه‌هایی است که خداوند اذن و اجازه داده است که رفیع و بلند پایه باشند، و اسم خدا در آن خانه‌ها برده شود» مراد از این بیوت و خانه‌ها قلوب و ارواح مقدسه ائمه طاهرین سلام الله علیهم می‌باشد.  
مراد از ذوی القربی در آیه:

**قل لا اسئلكم علیه اجرا الا المودة فی القربی.**<sup>[14]</sup>

«بگو من در مقابل رسالت خود از شما مزدی نمی‌خواهم مگر مودت به ذوی القربای مرا» ذوی القربی و خویشاوندان رسول خدا از نسل حضرت صدیقه کبری علیها السلام و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام است.

و مراد از خیر البریه (بهترین خلائق) در آیه:

**ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات اولئک هم خیر البریه.**<sup>[15]</sup>

«بدرستی که آن کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام می‌دهند، ایشان البته و البته ایشان بهترین خلائق هستند» امیر المؤمنین و شیعیان اوست.

چون این آیه نازل شد، رسول خدا فرمود: **ان علیا و شیعتہ هم الفائزون.**

«حقا که علی و پیروان او فقط و فقط ایشانند رستگاران، و به مقصد رسیدگان، و نجات‌یافتگان».

و مراد از نبا عظیم (خبری بزرگ) در آیه:

**عم یتسائلون عن النبا العظیم.**<sup>[16]</sup>

«از چه چیز با یکدیگر گفتگو دارند؟ از خبری بزرگ» وجود مبارک علی بن - ابیطالب است.

و مراد از من الناس (بعضی از مردم) در آیه:

**و من الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله.**<sup>[17]</sup>

«و بعضی از مردم کسی است که جان خود را در راه جستن رضای خدای خود می‌دهد، و آن را در طبق اخلاص نهاده به خدا می‌فروشد» امیر المؤمنین صلوات الله علیه است. و کسی که همراه و هم سر پیامبر قرار گرفت، و با دادن صدقه و هدیه به رسول الله به آیه نجوی عمل کرد، امیر المؤمنین علیه السلام بود طبق آیه:

**يا ايها الذين آمنوا اذا ناجيتم الرسول فقد مواين يدي نجاكم صدقة.**<sup>[18]</sup>

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، زمانی که بخواهید با پیغمبر خدا نجوی کنید (سخن به پنهانی و خفیه گویند) قبل از این عمل نجوی، صدقه و هدیه‌ای به نزد رسول الله پیش بیاورید». و امیر المؤمنین علیه السلام به عنوان شاهد و دلیل و گواه بر صدق رسالت و حقانیت رسول خدا با ذات اقدس حضرت ذو الجلال - سبحانه و تعالی - همدریف و همطراز قرار گرفت در آیه شریفه:

**قل كفى بالله شهيدا بيني وبينكم و من عنده علم الكتاب.**<sup>[19]</sup>

«بگو ای پیامبر که خداوند و کسی که در نزد او علم کتاب است بین من و شما از جهت گواه و شاهد بودن کافی است».

و امیر المؤمنین علیه السلام به عنوان ولی و مولی و ظهیر و نصیر و همراه برای رسول خدا قرار داده شده است در آیه:

**و ان تظاهرا عليه فان الله هو موله و جبريل و صالح المؤمنين و الملائكة بعد ذلك**

**ظهیر.**<sup>[20]</sup>

«و اگر شما دو زوج رسول (عائشه و حفصه) بر علیه رسول خدا قیام کنید، و در دشمنی و کید و کارشکنی با یکدیگر همدست و همدستان شوید، بدانید که خداوند ولی و مولای رسول الله است، و دیگر جبرائیل امین و صالح المؤمنین (امیر الموحدين علیه السلام) ولی و مولای رسول خدا هستند، و از اینها گذشته نیز فرشتگان به کمک و مساعدت و نصرت پیوسته ظهیر و یار و یاورند».

و اعلان برائت از مشرکین را که رسول الله بر صفحه‌ای نوشتند و به ابوبکر دادند، تا در موسم حج‌سنه نهم از هجرت در منی برای مردم بخواند، طبق وحی جبرائیل که خداوند پیام به پیغمبر داد که باید این صحیفه را یا خودت ای پیغمبر برای مشرکان قرائت کنی، و یا کسی که همانند تو

و از تو باشد، رسول خدا امیر المؤمنین علیه السلام را به دنبال ابوبکر فرستادند، تا نامه را از او بگیرد، و خودش برود و در مکه در موسم حج بر مشرکان بخواند.

امیر المؤمنین علیه السلام که به منزله نفس و روح رسول خدا بود، نامه را از ابو بکر گرفت و خود به مکه رهسپار شد، و در عقبه منی در موسم برای مشرکان قرائت کرد:

**و اذان من الله و رسوله الى الناس يوم الحج الاكبر ان الله برىء من المشركين و رسوله**<sup>[21]</sup> - الآيات.

«از جانب خداوند و از جانب رسول او به سوی تمام مردم در روز بزرگ حج که روز عید قربان است، اعلام و اعلان می‌شود که خداوند و رسول خداوند از مشرکین بریء و بیزارند». این مسئولیت بر عهده امیر المؤمنین که جانش و روحش از رسول خداست محول شد.

و مراد از اذن واعیه (گوشه‌های گیرنده و حفظ کننده) در آیه:

**و تعیها اذن واعیه،**<sup>[22]</sup>

«و حفظ می‌کند و در خود می‌گیرد گوش‌های شنونده و در برگیرنده» وجود مقدس امیر المؤمنین علیه السلام است.

و مراد از آل یاسین که خداوند در آیه:

**و سلام علی ال یس،**<sup>[23]</sup>

«و سلام بر آل یاسین» بر آنها درود و سلام می‌فرستد، ائمه معصومین سلام الله علیهم اجمعین هستند.

و مراد از کسی که به نور خدا شرح صدر پیدا کرده در آیه:

**افمن شرح الله صدره للاسلام فهو علی نور من ربه،**<sup>[24]</sup>

«آیا آن کسی که خداوند سینه او را فراخ کرده و شرح صدر عنایت فرموده، و علیهذا او پیوسته با نوری از جانب پروردگارش همراه است» امیر المؤمنین علیه السلام است. و مراد از صراطی (راه خدا) در آیه:

**و ان هذا صراطی مستقیما فاتبعوه و لا تتبعوا السبل فتفرق بکم عن سبیله،**<sup>[25]</sup>

«و اینست صراط من که مستقیم است، پس شما از این صراط پیروی کنید، و از این راه درآئید، و دنبال راههای مختلف نروید که شما را از راه خدا باز می‌دارد، و متفرق و متشتت می‌گرداند» راه مستقیم و صراط خدا راه علی بن ابیطالب است.

و مراد از **من یمشی سویا علی صراط مستقیم** (کسی که هموار و مستوی بر راه راست راه می‌رود) در آیه شریفه:

**افمن یمشی مکبا علی وجهه اهدی امن یمشی سویا علی صراط مستقیم،**<sup>[26]</sup>

«آیا آن کسی که به روی خود در افتاده و راه می‌رود، بهتر راه را می‌یابد و به مقصد می‌رسد، یا آن کسی که هموار و مستوی بر صراط مستقیم راه می‌پیماید؟» امیر المؤمنین علیه السلام است.

<sup>[7]</sup> - آیه 43، از سورة 16: نحل

<sup>[8]</sup> - آیه 103، از سورة 3: آل عمران

<sup>[9]</sup> - آیه 8، از سورة 102: تکاثر

<sup>[10]</sup> - آیه 24، از سورة 37: صافات

<sup>[13]</sup> - آیه 60، از سورة 3: آل عمران

<sup>[14]</sup> - آیه 23، از سورة 42: شورې

<sup>[15]</sup> - آیه 6، از سورة 98: بیّنه

<sup>[16]</sup> - آیه 1 و 2، از سورة 78: نبأ

<sup>[17]</sup> - آیه 207، از سورة 2: بقره

<sup>[18]</sup> - آیه 12، از سورة 58: مجادله

<sup>[19]</sup> - آیه 43، از سورة 13: رعد

<sup>[20]</sup> - آیه 4، از سورة 66: تحریم

<sup>[21]</sup> - آیه 3، از سورة 9: توبه

<sup>[22]</sup> - آیه 12، از سورة 69: الحاقّة

<sup>[23]</sup> - آیه 113، از سورة 37: صافات

<sup>[24]</sup> - آیه 22، از سورة 39: زُمر

[25] - آیه 153، از سوره انعام

[26] - آیه 22، از سوره 67: مُلْك

از حافظ ابن عساکر شافعی روایت است که: با اسناد خود از ابوسعید خدری تخریج کرده است که آیه **يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ** در غدیر خم درباره علی بن ابیطالب نازل شده است. [143]

حافظ حاکم حسکانی حنفی در کتاب «شواهد التنزیل»، هشت روایت با هشت سند مختلف که منتهی می شوند به ابوهریره، و ابو اسحاق حمیدی (خدری \_خ)، و ابن عباس، و حبّری، و قیس بن ماصر از عبدالله بن ابی اوفی، و زیادبن منذر ابوالجارود، و جابر بن عبدالله روایت می کند که آیه **يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ** در روز عید غدیر درباره علی بن ابیطالب (ع) نازل شده است، و در بعضی از آنها وارد است که: و پیامبر دست علی را بلند کردند، بطوریکه سپیدی زیر بغل هر دو نمایان شد و فرمود: **إِلَّا مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ؛ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ! وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ. ثُمَّ قَالَ: اللَّهُمَّ اشْهَدْ!**

و مضمون روایتی را که از زیادبن منذر (ابوالجارود) نقل می کند؛ تقریباً به همان مضمون روایتی است که ما از «تفسیر عیّاشی» اخیراً از ابوالجارود آوردیم.

و روایتی را که از اعمش، از عبایه بن ربیع، از ابن عبّاس، از رسول خدا (ص) روایت می کند، حدیث معراج است تا اینکه خداوند می فرماید: **وَ إِنِّي لَمْ أُنْعِثْ نَبِيًّا إِلَّا جَعَلْتُ لَهُ وَزِيرًا، وَ إِنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ وَ إِنِّي عَلِيٌّ وَ زِيرُكَ!**

و من هیچ پیغمبری را مبعوث نکردم مگر آنکه برای او وزیری قرار دادم؛ و بدرستی که تو رسول خدائی، و بدرستی که علی وزیر تست!

ابن عباس می گوید: رسول خدا هبوط کرد؛ و ناپسند داشت که این مطلب را برای مردم حدیث کند، چون مردم با زمان جاهلیّت نزدیک بودند؛ تا اینکه از این قضیه شش روز گذشت؛ و خداوند این آیه را فرستاد: **فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضَ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ!** «شاید اینطور است که تو بعضی از آن چیزهائی را که به تو وحی می فرستیم، ترک می کنی»!

این را نیز پیامبر تحمّل کرد؛ تا اینکه روز هیجدهم رسید، و خداوند این آیه را نازل کرد: **يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ.** و رسول خدا بلال را امر کرد که در میان مردم اعلان کند که: هیچکس از مردم باقی نماند مگر آنکه فردا به وادی غدیر خم بیاید.

و رسول خدا و مردم به غدیر آمدند؛ و پیغمبر فرمود: ایها الناس! خداوند به من مأموریت داده است که از ترس آنکه مبادا شما مرا متهم کنید! و تکذیب نمائید؛ حوصله ام تنگ و خسته شده‌ام؛ تا به جایی که پروردگار من مرا به وعید دنبال وعید دیگر معاتبه و مؤاخذه نموده است! در این حال دست علی بن ابیطالب را گرفت و بلند کرد بطوری که مردم سفیدی زیر بغل هر دو را دیدند و سپس فرمود:

**ایها الناس! الله مولاي و انا مولاکم! فمن من کنت مولاة فعلي مولاة؛ اللهم وال من والاة و عاد من عاداة! و انصر من نصره! واخذل من خذله!** و خداوند این آیه را نازل کرد:

**اليوم اکملت لکم دینکم.** [144]

[143] \_ «تفسیر الدر المنثور»، ج 2 ص 298.

[144] \_ «شواهد التنزیل»، ج 1، ص 187 تا ص 193، حدیث شماره 243 تا شماره 250. و در «تفسیر مجمع البیان» (طبع صیدا ج 2 ص 223) دو تا از این حدیث ها را از «شواهد التنزیل» با اسناد خود از ابن ابی عمیر و ابن عباس روایت می کند.

### تبلیغات سوء بر ضد اهل بیت علیهم السلام

مردم شام که نزدیک چهل سال معاویه در آنجا حکومت کرده بود و همه را ضد اهل بیت علیهم السلام تربیت کرده بود، از کشته شدن اهل بیت علیهم السلام خوشحال بودند و شهر را آذین بسته و مردم جشن گرفته بودند .

کاروان اسراء وارد شام شد و داشتند از مسیری عبور می کردند که پیر مردی آمد و به امام سجاد علیه السلام گفت: شکر می کنم خدا را که شما را کشت و شهرها را از شما راحت کرد و یزید را بر شما مسلط کرد .

امام سجاد علیه السلام فرمود: ای شیخ آیا قرآن خوانده‌ای؟ گفت: آری فرمود: آیا این آیه را خوانده‌ای «قُلْ لَا أَسْأَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبَى وَمَنْ یَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِیْهَا حُسْناً إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ».<sup>(1)</sup>

ای پیامبر به مردم بگو در مقابل این همه زحمات پیامبری فقط از شما یک چیز می‌خواهم و آن دوست داشتن اهل بیت من است .

گفت: آری . فرمود: آنان ماییم .

ای پیرمرد آیا این آیه را خوانده‌ای: «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَى»<sup>(2)</sup>.

گفت: آری . فرمود: ماییم قری و نزدیکان رسول الله .

ای پیرمرد آیا این آیه را خوانده‌ای: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»<sup>(3)</sup>.

بدرستی که خدا اراده کرده پلیدی را از شما برداشته و شما را پاکیزه و معصوم نماید .

گفت: آری . فرمود: ماییم اهل بیتی که قرآن ما را به این آیه مخصوص گردانیده . پیرمرد ساکت شده و از سخنان خود پشیمان شد و گفت: شما را به خدا شما آنهاید؟

حضرت فرمود: بخدا سوگند بدون شک ماییم و رسول الله جد ما است .

پیرمرد شروع به گریه کرد و عمامه‌اش را انداخت و سر به آسمان برداشت و گفت: خدایا من از دشمنی اهل بیت به تو پناه می‌برم .

آنگاه پرسید: آیا برای من توبه است؟ فرمود: آری اگر توبه کنی خدا توبه‌ات را قبول می‌کند و تو جزء ما حساب می‌شوی . پس سه بار گفت: «اللهم انی اتوب الیک»<sup>(4)</sup> .

1. سوره شوری، آیه 23.
2. سوره انفال، آیه 42.
3. سوره احزاب، آیه 33.
4. زندگی امام حسین علیه السلام.

طه 109: «يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا». یعنی: امروز شفاعت احدی سود ندارد، مگر کسیکه خدا به او اجازه داده و به سخن او راضی است.

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه فوق، فرمود: بخدا سوگند! در آنروز، بما اجازه داده می شود و جواب می گوئیم! سؤال شد: چه جوابی می دهید؟ فرمود:

پروردگار را تمجید می کنیم. بر پیامبر صلوات می فرستیم. و از شیعیانمان شفاعت می کنیم و خدا، شفاعت ما را رد نمی کند.<sup>(3)</sup>

3. بحار الانوار، ج 8.

کوثر 1: «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ». ما بتو کوثر را عطا نمودیم.

ابن عباس درباره آیه فوق گفته است: کوثر، نهری در بهشت است که عمقش، هفتاد هزار فرسخ است. ابش از شیر، سفیدتر و از عسل، شیرین تر بوده و کناره های آن از لؤلؤ و زبرجد و یاقوت است. خداوند این حوض را برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیتش علیهم السلام، قرار داده است و دیگر پیامبران در آن سهمی ندارند.<sup>(1)</sup>



### آیات دیگر قرآن در شأن علی بن ابی طالب (ع)

آیات زیادی در شأن امیرالمؤمنین (ع) تفسیر شده که باید به کتب تفسیر از جمله نورالثقلین و جامع و غیره مراجعه شود. تعدادی از آنها در بالا ذکر شد و تعدادی دیگر فهرست وار ذکر می گردد:

«وعلامات وبالنجم یهتدون» «وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» «أَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا...»  
«رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي» «وَانْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» «وَمَنْ يَسْلَمْ وَجْهَهُ» «قُلْ لَا اسْئَلُكُمْ أَجْرًا وَالْأُمُودُ بِالْقُرْبَىٰ» «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ» «أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا» «مَرْجُ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ» «أَتَمَّا وَلِيَكَمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا...» «أَتَمَّا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكَ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ» «وَإِذَا حَاجَّتُمْ...» «الَّذِينَ يَنْفَقُونَ أَمْوَالَهُمْ...» «أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ...» «أَتَمَّانْتَ مِنْذِرَ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاةِ اللَّهِ» «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» «الْيَوْمَ يَتُّسِ الَّذِينَ كَفَرُوا...» «أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ» «أَوْفُوا بِعَهْدِي أَوْفَ بِعَهْدِكُمْ» «وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» «فَلَمَّا جَاءَ بِالْبَيِّنَاتِ...» «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ...» «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَنُورٌ» «وَإِنَّ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ» «وَنَادَىٰ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ» «وَهُوَ الَّذِي آيَدَكَ بِصِرَاحِهِ» «بِرَأْيِهِ مِنَ اللَّهِ...» «كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» «أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ...» «أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ» «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي» «وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا...» «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبُوا...» «إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ...»

عبور از عقبه!

رسول خدا (ص) در تفسیر («فلا اقتحم العقبة» بلد 11) یعنی باز هم به تکلیف عقبه تن در نداد! فرمود:

بدرستیکه بر بالای صراط، گردنه ای صعب العبور است که طول آن سه هزار سال می باشد. هزار سال سربالایی و هزار سال در میان مار و عقربها و خار و خاشاک و هزار سال سرازیری دارد! من اولین شخصی هستم که از این گردنه رد می شوم. دومین نفری که از این گردنه رد می شود، علی بن ابیطالب است.

سپس فرمود:

همه افراد در هنگام عبور از این گردنه دچار سختی می شوند مگر محمد و اهلیتیش. «بحارج 8»

حضور معصومین (ع) بر بالین محتضران!

يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ إِلَى مُحَمَّدٍ وَوَصِيِّهِ!

ابابصیر می گوید: از امام صادق (ع) سؤال کردم: آیا مؤمن از مرگ

ناراحت می شود؟ امام فرمود: نه بخدا! گفتم: چرا ناراحت نمی شود؟ فرمود هرگاه مرگ مؤمنی فرا

برسد، رسول خدا (ص) و اهل بیتش (ع) بر بالین او حاضر می شوند! جبرئیل و میکائیل و اسرافیل

و عزرائیل، نیز بیایند!

علی (ع) می فرماید: یا رسول الله! این شخص از دوستان ما است! پس او

را دوست بدار! همه فرشتگان نیز توصیه او را به عزرائیل، می کنند! و می

گویند: این شخص از دوستان محمد و آل محمد است. با او مدارا کن!

عزرائیل گوید: قسم به خدائی که شمارا برگزید، و محمد را به نبوت

انتخاب کرد، من نسبت به او از پدر مهربانتر و از برادر رفیق ترم!

سپس عزرائیل به آن شخص می گوید: ای بنده خدا! آیا از آتش، خودت را

رهاندی؟ آیا از گرو امانت الهی، بیرون آمدی؟ او جواب می دهد: آری!

عزرائیل می پرسد: چگونه؟ می گوید: به محبت محمد و آلش و به ولایت

علی بن ابی طالب و فرزنداناش! عزرائیل می گوید: خدا تورا از هر چه

خوف داشتی، ایمن نمود و آنچه امید داشتی، بتو داد! چشمانت را باز کن و نگاه کن! او وقتی چشمش را باز

می کند، افرادی را که در اطراف او

هستند - پیامبر (ص) و اهل بیتش و ملائکه را - می بیند. سپس چشمش به

دری از باغی از باغهای بهشت، می افتد. عزرائیل می گوید: این را خدا

برایت مهیا ساخته و اینها هم رفقاییت هستند! آیا دوست داری به اینها

ملحق شوی و یا به دنیا برگردی؟ او دستش را بالای چشمانش گذاشته و

می گوید: نمی خواهم به دنیا برگردم!

در این هنگام از دل عرش، ندا می شود: يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ إِلَى مُحَمَّدٍ وَوَصِيِّهِ وَالْآئِمَّةِ مِنْ بَعْدِهِ

إِرجِعی إِلَى رَبِّكَ رَاضِيَةً بِالْوَلَايَةِ، مَرْضِيَةً بِالْثَوَابِ. فَادْخُلِي فِي عِبَادِي مَعَ مُحَمَّدٍ وَاهْلِ بَيْتِهِ وَادْخُلِي

جَنَّتِي غَيْرَ مَشْوُوبَةٍ! یعنی: ای بنده ای که در کنار محمد و وصیش و امامان بعد از او آرامش یافتی! به

سوی خدایت، برگرد! درحالی که به ولایت اهل بیت، راضی شونده و به ثواب راضی شده ای! پس  
با محمد آتش، داخل بند گانم شو و درحالی که دچار اضطرابی نیستی، به بهشت وارد شو!

رجعت مردگان

نساء 159: وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ. یعنی:

هیچ فردی از اهل کتاب (یهود و نصاری) نیست مگر اینکه قبل از مرگش به عیسی (ع) ایمان خواهد  
آورد!

شهر بن خوشب، گفت: حجاج به من گفت: من تفسیر آیه مذکور را نفهمیده ام! زیرا گاهی شده است که  
حکم اعدام فردی یهودی یا نصرانی را صادر کرده ام ولی موقع مردنشان، ندیدم که سخنی بگویند - و به  
عیسی (ع)، ایمان بیاورند - من جواب دادم: ای امیر! این مراد نیست که شما فهمیده اید! گفت: پس چه  
معنایی دارد؟ گفتم: حضرت عیسی (ع)، قبل از قیامت، از آسمان به زمین می آید و همه یهود و نصاری، به  
او ایمان می آورند! و او پشت سر حضرت مهدی (عج) نماز می خواند. حجاج گفت: این مطلب را از کجا  
نقل می کنی؟ گفتم: از امام پنجم (ع) شنیده ام. گفت: بخدا سو گند! از چشمه صافی برداشته ای!

شهادت می دهم که: تو به عهد الهی وفا کردی و خداوند هم به عهدش درباره تو وفا کننده  
است.

شهادت می دهم که: تو و عمومیت و برادرت آنانید که با جانهایتان با خدا معامله  
کردید و خدا درباره شما نازل کرد که: إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمْ

الْجَنَّةُ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ، التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ.

شهادت می دهم که: تو مصداق آیه شریفه هستی: «وَأَنَّ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ».

شهادت می دهم که: کسانی که حق تو را منع کردند زیانکارند همانگونه که خدا فرمود: «الَّذِينَ تَلْفَحُ وُجُوهَهُمُ النَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَالْحِجَارِ» آنان که آتش صورتشان را در بر گرفته و ناراحت و غمگینند.

شهادت می دهم که: خدا لعنت می کند کسی را که تو را با دشمنانت برابر کند که خداوند در شأن تو فرمود: «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ». آیا آنان که می دانند با آنان که نمی دانند برابرند؟

و خداوند در شأن تو فرمود: «فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا» درجاتِ منه و مغفرةً و رحمةً و كان الله غفوراً رحيماً»

و خدا در شأن تو فرمود: «اجعلتم سقاية الحاج و عمارة المسجد الحرام كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ جَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوِي عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» یعنی آیا قرار می دهید درجه آب دان به حاجیها و آباد کردن مکه را در درجه کسی که ایمان به خدا و قیامت دارد و در راه خدا جهاد نموده است؟ ایندو در نزد خدا مساوی نیستند و خداوند ستمکاران را هدایت نمی کند.

و خدا در شأن تو فرمود: «الذین آمنوا وهاجروا وجاهدوا فی سبیل اللہ بما موالہم و انفسہم اعظم درجۃ عند اللہ و اولئک ہم الفائزون یبشِّرہم ربُّہم برحمۃ منہ و رضوان و جناتٍ لہم فیہا نعیمٌ مّقیمٌ خالدین فیہا ابدًا ان اللہ عنده اجرٌ عظیم.»

شہادت می دہم کہ: خدا تو را مخلص و ص به مدح خود نموده و تو مخلص بودی و هیچگاه شرک نورزیدی و خدا دعای پیامبر را درباره تو مستجاب کرد سپس خدا به پیامبرش دستور داد تا برای بالا بردن مقام تو و ظاهر کردن برہان تو و برای از بین بردن اباطیل و قطع عذرہا آنچه را تو به آن سزاواری آشکار کند. وقتی رسول خدا (ص) از فتنہ فاسقین بیمناک شد و درباره تو از منافقین ترسید خدا به او وحی نمود کہ: «یا ایُّہا الرسول بَلِّغْ مَا اُنْزِلَ اِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ. واللہ یعصمک من الناس ای رسول! آنچه خدایت بر تو نازل کرد را ابلاغ نما! کہ اگر ابلاغ ننمایی، رسالت را به انجام نرساندہ ای و خدا تو را از مردم حفظ می کند.

پس رسول خدا (ص) زحمت راہ را به جان خرید و در نیمروز گرم برخاست و خطبہ خواند و شنواند و صدازد و ابلاغ نمود و بعد از ہمہ پرسید کہ آیا ابلاغ کردم؟ گفتند بخدا آری. گفت خدایا شاهد باش. سپس حضرت فرمود: الست اُولیٰ بانفسکم؟ قالوا: اللّٰہم بلیٰ. آیا من از خوتان بر شما سزاوارتر نیستم؟ گفتند: بخدا آری. پس بازوہای تو را گرفت و فرمود: «مَنْ کُنْتُ مَوْلَاہُ، فہذا علیٌّ مَوْلَاہُ. اللّٰہم والِ مَنْ والاہ و عادِ مَنْ عاداہ. ہر کہ من مولای او ہستم، این علی مولای اوست. خدایا! دوست بدار دوستدار علی را و دشمن بدار دشمن علی را.

ولی فقط عدہ ای قلیل بہ آنچه خدا درباره تو بر پیامبرش نازل کرد ایمان آوردند و نیافزود بر اکثرشان غیر از خسران! همانگونه کہ خدا قبلا فرمودہ بود: «وہم کارہون، یا ایُّہا الذین آمنوا مَن یرتدّ منکم عن دینہ فسوف یأتی اللہ بقوم یحبّہم و یحبّونہ اذلّٰ علی

المؤمنين اعزّةً على الكافرين يُجاهدون في سبيل الله و لا يخافون لومة لائم ذلك فضل الله يؤتيه من يشاء والله واسعٌ عليم.، أنما وليكم الله و رسوله و الذين آمنوا الذين يقيمون الصلاة و يؤتون الزكاة و هم راكعون.» یعنی همانا سرپرست شما خدا و رسولش و کسیکه ایمان آورده و نماز می خواند و در حال رکوع صدقه می دهد، است.» و من يتولّ الله و رسوله و الذين آمنوا فانّ حزب الله هم الغالبون، ربّنا آمنا بما انزلت و اتبعنا الرسول فاكثبنا مع الشاهدين، ربّنا لاترغ قلوبنا بعد اذ هذيتنا و هب لنا من لدنك رحمةً انّك انت الوهاب»

خدایا! ما می دانیم که امر ولایت از جانب تو برحق است پس بر کسیکه ای امر را قبول نکرد و سرکشی نمود و تکذیب کرد و به آن کافر شد، لعنت نما که: «و سيعلم الذين ظلموا ايّ منقلبٍ ينقلبون»

شهادت می دهم که: تو اطعام کردی «على حبه مسكيناً و يتيماً و اسيراً لوجه الله لا تريد منهم جزاءً و لا شكوراً» و درباره تو خدا نازل نمود: «و يؤثرون على انفسهم و لو كان بهم خصاصةً و من يوق شح نفسه فاولئك هم المفلحون» و تو خورنده خشم بودی «الكاظمين الغيظ و العافين عن الناس و الله يحبّ المحسنين» و تو در بین مردم بطور مساوات تقسیم می نمودی و نسبت به رعیت عدالت داشتی و از همه به حدود الهی عالمتر بودی و خدا از فضیلت تو خبر داد که: «افمن كان مؤمناً كمن كان فاسقاً لا يستون، اما الذين آمنوا و عملوا الصالحات فلهم الجنات المأوى نُزلاً بما كانوا يعملون»

تو مخصوص بودی به علم تنزیل و سفارش پیامبر و برای تو جایگاهها و روزهای است که بر آن شهادت می دهند همانند روز بدر و روز جنگ احزاب که «اذ زاغت الابصار و بلغت القلوب الحناجر و تظنون بالله الظنوناً، هنالك ابتلى المؤمنون و زلزلوا زلزالاً شديداً و اذ يقول المنافقون و الذين في قلوبهم مرض ما وعدنا الله و رسوله الا غروراً و اذ قالت طائفة»

منهم يا اهل يثرب لا مقام لكم فارجعوا ويستأذنُ فريقٌ منهم النبیَّ يقولون انَّ بیوتنا عورةٌ و ماهی بعورةٌ ان یریدون الا فراراً» وقال الله «ولمَّا رأى المؤمنون الاحزاب قالوا هذاما وعدنا الله ورسوله وصدق الله ورسوله و ما زادهم الا ايماناً وتسليماً» ای علی! تو عمرو را کشتی و جمعشان را پراکنده ساختی «ورد الله الذين كفروا بغيظهم لم ينالوا خيراً و كفى الله المؤمنين القتال و كان الله قویا عزیزاً و يوم أحد اذ تُصعدون و لا یلون علی' احد و الرسول یدعوهم فی آخری'هم»

و تو دور می کردی قهرمانان مشرکین را از رسول خدا (ص) از راست و چپ تا اینکه خدا آنان را از شما دونفر ترسان برگرداند و شکست خوردگان را بوسیله تو پیروز کرد و همچنین روز جنگ حنین که خدا فرمود «و یوم حنین اذ اعجبتکم کثرتکم فلم تُغنِ عنکم شیئاً و ضاقت علیک الارض بما رُحبت ثمَّ و لیتم مدبرین ثمَّ انزل الله سکینته علی رسوله و علی المؤمنین» ای علی! تو و اطرافیان تو مؤمن بودند و در آن روز عمویت عباس با صدای بلند صدا فراریان را می زد: ای یاران سوره بقره! ای اهل بیعت شجره! تا اینکه عده ای از مسلمانان فراری را که تو بجای آنان زحمت می کشیدی و می جنگیدی برگشتند در حالی که از پاداش مایوس و به توبه امیدوار بودند که خدا فرمود: «ثمَّ یتوب الله من بعد ذلک علی' من یشاء»

شهادت می دهم که: باطلان زیان دیدند آن گاه که آن دونفر (طلحه و زبیر) بتو نیرنگ زدند و گفتند اراده مکه داریم! و تو گفتی قسم بجانتان که اراده عمره ندارید بلکه می خواهید خیانت کنید. پس دوباره از آنها بیعت گرفتی و تجدید میثاق نمودی ولی آنها در نفاق تلاش کردند و با اینکه آنها را از نیتشان آگاه کردی خود را به نادانی زدند ولی سودی نبردند و عاقبتشان زیانکاری بود. بعد اهل شام بدنبال آن دو حرکت کردند در حالی که در راه حق



نبودند. تو بسویشان رفتی و با آنها اتمام حجت نمودی. اما آنان اهل تدبیر در قرآن نبوده و بمانند مگسِ دمِ باد بسیار گمراه بودند و به آنچه در قرآن در شأن تو نازل شد کافر بودند و یاری کننده مخالفان تو بودند در حالی که خدا امر به تبعیت از تو نمود و مؤمنین را به یاری تو فراخوانده و خدا فرمود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ»

شهادت می‌دهم که: خدا درباره شما اهل بیت (س) نازل فرمود: «أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» یعنی خداوند اراده کرده است تا شما اهل بیت را از هر پلیدی پاک قرار دهد.

و خداوند در قرآن فرمود: «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا إِلَّا الْمُصَلِّينَ» که خداوند استثنا کرد رسول خدا (ص) را و شما را از همه خلایق .

و من شهادت می‌دهم که: چقدر محتتهای تو در تنها بودن و نداشتن یاور شبیه سختیهای پیامبران بوده است و شبیه است خوابیدن تو در جای پیامبر به ذبیح «حضرت اسماعیل» که همانطور که او قبول کرد تو هم قبول نمودی و همانگونه که او اطاعت کرد تو هم اطاعت نمودی صبر کنان و خیر اندیش. در آن زمان که ابراهیم گفت ای پس! من در خواب دیدم که تو را قربانی می‌کنم تو چه نظری داری؟ اسماعیل جواب داد: پدر! آنچه مأموری انجام بده که من را صابر خواهی یافت. تو هم همچنین بودی زمانی که در جای پیامبر خوابیدی تا حافظ جان پیامبر باشی. تو دستور پیامبر را با سرعت اجابت نمودی و خود را برای شهادت آماده نمودی. پس خدا از تو سپاسگزاری نمود و زیبایی کارت را با این آیه اعلام کرد: وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ» یعنی یک نفر از مردم جانش را در راه رضای خدا فروخت و خداوند نسبت به بندگانش مهربان است.

من شهادت می دهم که :خداوند تو را مدح نموده که:«من المؤمنين رجال صدقوا ما عاهدوا الله عليه فمنهم من قضى نحبه و منهم من ينتظر و ما بدلوا تبديلاً» {مفاتيح الجنان}

خير البريه آمد...

جابر بن عبدالله گوید: نزد رسول خدا (ص) بودیم که حضرت علی (ع) وارد شد. رسول خدا (ص) فرمود:

به همان کسی که جانم در دست او است سوگند! این و شیعه اش به تحقیق در روز قیامت رستگارند. و این آیه نازل شد:

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ»

پس از آن هرگاه اصحاب رسول خدا (ص)، حضرت علی (ع) را می دیدند که می آید، می گفتند: «خير البريه» آمد.

علی مانند قل هو الله احد....

في « البحار » عن المحاسن بالاسناد إلى النبي (صلى الله عليه وآله)، أنه قال  
لأمير المؤمنين (عليه السلام): « إِنَّمَا مِثْلُكَ مِثْلُ (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ) فَإِنَّهُ مَنْ قَرَأَهَا مَرَّةً فَكَأَنَّمَا قَرَأَ  
ثَلَاثَ الْقُرْآنِ ، و مَنْ قَرَأَهَا مَرَّتَيْنِ فَكَأَنَّمَا قَرَأَ ثَلَاثِي الْقُرْآنِ ، و مَنْ قَرَأَهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَكَأَنَّمَا قَرَأَ  
الْقُرْآنَ ، فَكَذَلِكَ مَنْ أَحَبَّكَ بِقَلْبِهِ كَانَ لَهُ مِثْلُ ثَوَابِ ثَلَاثِ أَعْمَالِ الْعِبَادِ ، و مَنْ أَحَبَّكَ بِقَلْبِهِ و

نصرك بلسانه كان له مثل ثلثي ثواب أعمال العباد ، و من أحببك بقلبه و نصرك بلسانه و يده  
كان له مثل ثواب أعمال العباد». (1) [11]

یعنی : رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) به امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود : « به تحقیق که مَثَل شما مثل سوره (قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ) می باشد ، پس بدرستی که شأن او چنین است که هر کس يك مرتبه آن را بخواند ، مثل آن است که يك سوّم قرآن را قرائت کرده است ، و هر کس دو مرتبه بخواند ؛ مانند آن است که دو سوّم قرآن را قرائت کرده است ، و هر کس آن را سه مرتبه بخواند ، مانند آن است که تمام قرآن را قرائت کرده باشد.

و در روایت دیگری در «لآلی الاخبار» از حضرت امام محمدباقر (علیه السلام) نقل شده که حضرتش فرمودند:

کسیکه از شماها امر به ما معرفت و شناخت داشته باشد و منتظر فرج باشد ، و در این انتظار ؛ امیدوار خیر باشد (2) [5] مانند کسی خواهد بود که در راه خدا در رکاب حضرت قائم (علیه السلام) به شمشیر خود جهاد کرده باشد .

پس فرمود : بلکه به خدا قسم مانند کسی است که در رکاب حضرت رسول (صلی الله علیه وآله) به شمشیر خود جهاد کرده باشد .

پس مرتبه سوّم فرمود : بلکه به خدا قسم ؛ مانند کسی است که درك شهادت کرده باشد با حضرت رسول (صلی الله علیه وآله) در خیمه ایشان ، و در باره شما در این مورد يك آیه از قرآن نازل شده است.

---

1 [11] - محاسن : ج2 ص251 حدیث473 ، بحارالانوار ج27 ص94 حدیث54

2 [5] - یعنی امیدوار اجر کاملی که برای انتظار وارد شده است ؛ باشد ، و بداند این انتظارش عبادت است ، و موجب اجر و ثواب است ، یا مراد اینست که امیدوار باشد رسیدن به آنچه خداوند وعده فرموده است عطا فرمودن آن را از نعم کثیره ظاهری و باطنی در زمان ظهور و فرج ما ، بلکه معتقد باشد که آنها حقّ اند و واقع می شود و بعد از انتظار مؤمنین به آنها خواهند رسید (توضیح از مؤلف (رحمه الله) می باشد).

عرض کردم کدام آیه است ؟ فرمود: قول خداوند:

( وَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَ الشُّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ ... )<sup>(3 [6])</sup> .<sup>(4 [7])</sup>

---

3 [6] - ترجمه : و آنانکه به خدا و پیامبران او ایمان آوردند در حقیقت رستگویان عالمند ، و برایشان نزد خداوند اجر شهیدان است . (سوره حدید آیه 119) .

4 [7] - لای الاخبار

## اهل بیت همتای قرآن

اهل بیت علیهم السلام بر اساس آیات قرآن و حدیث متواتر ثقلین، همتای قرآن بوده، تمسک به یکی از آن دو، بدون دیگری، مساوی با ترک هردو است و دستیابی به دین کامل، در پرتو تمسک به آیات و روایات امکان پذیر است. در حقیقت، قرآن و عترت، عصاره نبوت و تداوم بخش رسالت هستند و هدایت بشر را تا روز قیامت تضمین می کنند. (1)

قرآن، اسلام مکتوب است و اهل بیت علیهم السلام، اسلام ناطق

قرآن، راه است و اهل بیت، راهبر

قرآن، قانون است و اهل بیت قانون شناس و مجری قانون

قرآن مشعل است و امام، مشعل دار

قرآن، کتاب حکمت است و اهل بیت، دانای حکمت

:کلمه «اهل بیت» در قرآن در سه آیه آمده است: نخست در سوره قصص می خوانیم

هَلْ أَدْلَكُم عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ (2)؛ «[پس خواهر موسی آمد و گفت: آیا شما را «

» به خانواده ای راهنمایی کنم که برای شما از وی سرپرستی کند؟

این آیه اشاره به جریان حضرت موسی علیه السلام در ایام کودکی دارد که شیر هیچ دایه

ای را در کاخ فرعون قبول نمی کرد. آنگاه خواهر موسی علیه السلام به آن ها گفت: آیا

مایید که من شما را بر خانواده ای که دایه و پرستار این طفل شوند، راهنمایی کنم؟

مراد از اهل بیت در این آیه، واضح است و به کسی که در خانواده دایه و پرستار طفل

است؛ یعنی مادر خانواده، اطلاق شده است

دومین آیه در سوره هود آمده است که: «قَالُوا أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحْمَتُ اللَّهِ وَبَرَكَتُهُ

عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ» (3)؛ بعد از آنکه خداوند بشارت داشتن فرزند را به ساره همسر حضرت ابراهیم علیه السلام داده است، او به خاطر پیری خود و همسرش متعجب شد؛ اما فرشتگان به او گفته اند: «آیا از کار خدا در شگفت هستی که رحمت و برکات خداوند مخصوص شما».

در این آیه نیز منظور از اهل بیت آشکار است و شامل خاندان و خانواده حضرت ابراهیم علیه السلام می باشد.

سومین آیه ای که در باره «اهل بیت» سخن به میان آورده، در سوره احزاب آمده است که می فرماید: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (4)؛ «به راستی که خداوند، می خواهد پلیدی را از شما اهل بیت بزداید و کاملاً پاک و پیراسته تان».

با بررسی تفسیر و شأن نزول و سیاق آیات فوق، در می یابیم که در دو آیه اوّل، مراد از «اهل بیت» مشخص بوده و دارای هیچ ابهامی نیست. اما با بررسی سیاق آیه سوم و شأن نزول آن می توان فهمید که این آیه در مقام بیان مسأله مهمّی درباره «اهل بیت» است که نیازمند دقّت و بررسی بیشتری است.

برای بررسی این آیه، چند نکته را باید مورد توجّه قرار داد:

اوّل: آیه «تطهیر» دارای سه تأکید است

الف) حرف «ان» که در پی آن «ما»ی حصر آمده و دلالت دارد که طهارت، منحصر در اهل بیت است.

ب) «لام» تأکید که بر کلمه «يُذْهِبُ» آمده تا از مصونیت اهل بیت از تمام گناهان و معاصی پرده بردارد.

ج) جمله «يُطَهِّرُكُمْ تَطْهِيراً» در آخر این آیه، بیانگر آن است که طهارت اهل بیت، کامل و (به دور از هر گونه شائبه و شبهه است). (5)

این سه تأکید، نشان می دهد که «اهل بیت» خاندانی معمولی نیستند و دارای خصوصیات منحصراً به فرد می باشند.

دوم: اراده خداوند در جمله «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ...» بر فعل او، «اذهاب رجس»، و «تطهیر» تعلّق گرفته و چنین اراده ای جز اراده تکوینی نیست؛ چرا که اراده تشریعی به فعل دیگران تعلّق خواهد گرفت نه به فعل صاحب اراده. همچنین سیاق آیه در مقام مدح و ستایش اهل بیت است و اگر این اراده تشریعی بود، اختصاص به گروه خاصی نداشت و این مدح و ستایش نیز موردی نداشت

سوم: با ملاحظه موارد استعمال لفظ «رجس» در قرآن (مائده / آیه 90؛ انعام / 125؛ یونس / 100) می توان گفت این لفظ، هم شامل پلیدی محسوس و ظاهری می شود و هم آلودگی معنوی و نامحسوس را دربردارد. (6) شکی نیست که مقصود از «رجس» در آیه تطهیر (که (با الف و لام نیز آمده) شامل تمام گناهان می شود. (7)

چهارم: علمای اهل تسنّن با توجّه به معنای لغوی «اهل بیت»، آیه را به خانواده و همسران پیامبر تفسیر می کنند. (8) در پاسخ آنها باید گفت: اگرچه در کتاب های لغت، کلمه «اهل بیت» به معنای اهل خانواده (اعمّ از پدر، مادر، فرزندان و...) و خاندان آمده است؛ (9) اما سیاق آیه تطهیر نشان می دهد که «اهل بیت» در این آیه، افراد خاص از خانواده هستند و شامل همسران پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله وسلم نمی شود. زیرا اگر شامل آنها می شد، (لازم بود ضمیر «عنکم» که مذکّر است، به «عنکن» تبدیل شود. (10)

علاوه بر آن، از روایاتی که تبیین کننده مجهولات و تأویل کننده متشابهات قرآن هستند؛

استفاده می شود که این قسمت از آیه (مانند بعضی از آیات دیگر) جداگانه نازل شده است و به هنگام جمع آوری آیات قرآن، در کنار این آیات قرار گرفته است. (11) و روایات به وضوح، مصداق «اهل بیت» در این آیه را بیان کرده اند. طبری (12) در تفسیر خود «17» حدیث و جلال الدین سیوطی (13) در الدر المنثور «14» حدیث را نقل نموده اند که سند همه آنها به صحابه و تابعانی همچون: ابوسعید خدری، انس بن مالک، ابواسحاق، ابوهریره، ابوحمره، سعد و قاص، علی بن حسین علیه السلام، عایشه، ابن عباس و... منتهی می گردد. طبق این احادیث، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم کساء (عباء) بر سر پنج تن (پیامبر، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام) افکند و ام سلمه را که قصد ورود به آن را داشت، منع نمود و این جمله را فرمود: «خدایا! اینان اهل بیت من می باشند؛ پروردگارا! (پلیدی را از آن ها دور ساز)». (14)

آیات زیادی در شأن و منزلت «اهل بیت» نازل شده است تا جایی که ابن عباس می گوید: درباره علی علیه السلام به تنهایی، سیصد آیه نازل شده است. (15) و برخی دیگر گفته اند: (ربع آیات قرآن در مورد اهل بیت می باشد). (16)

در این جا نمونه هایی از آیات، که شیعه و سنی در آن اتفاق نظر دارند که در باره اهل بیت نازل شده، را ذکر می نمایم

### آیه مودّت

خداوند متعال می فرماید: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (17)؛ «به مردم بگو: برای تبلیغ و رسالت، پاداشی از شما نمی خواهم؛ مگر مودّت و دوستی خویشانم صحیح مسلم و صحیح بخاری، مسند احمد بن حنبل و تفسیر ثعلبی همگی از ابن عباس نقل کرده اند که وقتی این آیه نازل شد، مسلمانان از پیامبر سؤال کردند: اقرّبای شما چه



کسانی هستند؟ پیامبر فرمود: آنها علی و فاطمه و دو فرزندانشان (حسن و حسین) هستند. (18)

### آیه مباهله

خداوند در سوره نساء آیه 47 می فرماید: «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ مَّ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ...» (19)؛ «پس هر کس با تو درباره عیسی در مقام مجادله بر آید، بعد از آن که به وحی خدا بر احوال او آگاهی... یافتی، بگو: بیا بید ما و شما با فرزندان و زنان خود به مباهله برخیزیم».

مفسران شیعه و سنی اتفاق نظر دارند که لفظ «ابنائنا» اشاره به امام حسن و امام حسین علیهما السلام و لفظ «نسائنا» و «انفسنا» به ترتیب فاطمه زهرا علیها السلام و حضرت علی علیه السلام را شامل می شود. مسلم و ترمذی در کتاب های خود در باب فضایل علی علیه السلام از سعد بن ابی وقاص روایت کرده اند: وقتی که این آیه نازل شد، پیامبر، علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را فراخواند و فرمود: خداوندا! اینان اهل من می باشند. (20)

### آیه کلمات

قرآن، داستان توبه حضرت آدم را چنین بیان می کند: «فَتَلَقَىٰ آدَمُ مِنْ رَبِّهِ يَ كَلِمَتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ وَهُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» (21)؛ «حضرت آدم از پروردگارش کلماتی را گرفت، پس... توبه او را پذیرفت. همانا خداوند، توبه پذیر و مهربان است».

جلال الدین سیوطی در تفسیر «الدر المنثور» در ذیل همین آیه از ابن عباس روایت کرده که گفت: از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم در باره کلمات که حضرت آدم از خداوند دریافت کرد و موجب پذیرش توبه وی شد، سؤال کردم، پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم

فرمود: «حضرت آدم به حقّ محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین از خداوند طلب بخشش کرد و خداوند هم پذیرفت.»(22)

### آیات نازل شده در شأن اهل بیت علیهم السلام

آیاتی که در شأن اهل بیت، به خصوص درباره حضرت علی علیه السلام نازل شده، بسیار زیاد است که بررسی همه آنها در این مجال نمی گنجد. ما برای اختصار فقط به آدرس (سوره ها و آیات اکتفا می کنیم): (23)

آیات برائت (توبه / 1)، آیه سقایۃ الحاج (توبه / 19)، آیه صالح المؤمنین (تحریم / 4)، آیه حکمت (بقره / 269)، آیه یّنه (هود / 17)، آیه نور (حدید / 28)، آیه انذار (شعراء / 214)، آیه مرج البحرين (الرّحمن / 19 و 22)، آیه نجوی (مجادله / 12)، آیه سابقون (واقعه / 10 و 11)، آیه محبّت (مریم / 96؛ مائده / 54)، آیه انفاق (بقره / 274)، آیه حبل الله (آل عمران / 103)، آیه راسخون در علم (آل عمران / 7)، آیه ولادت (مائده / 55...)، آیه علم الكتاب (رعد / 13)، آیه اهل الذّکر (نحل / 43) و

آنچه ذکر شد، گوشه هایی از شأن و منزلت اهل بیت در قرآن بود که هیچ کس قادر به انکار این آیات نیست. بدون شک، «اهل بیت» حلقه ناگسستنی «قرآن» هستند و قرآن بدون اهل بیت و اهل بیت بدون قرآن، نمی توانند کشتی پرتلاطم «هدایت» را به مقصد برسانند. امیدواریم بتوانیم با تبعیت از اهل بیت، مسیر «صراط مستقیم» را پیماییم.

:پی نوشت ها

---

تفسیر تسنیم، آیه الله جوادی آملی، انتشارات اسراء، قم، چ 1، 1379 ش، ج 1، ص 1.

هود / 73. 3.

احزاب / 33. 4.

5. اهل بیت راهبران الهی، محمد کاظم، محمد جواد، انتشارات عاشورا، قم، چ 1، 1374. ش، ص 17.

6. ره توشه راهیان نور، ویژه محرم 1377 ش، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیّه قم، مقاله سیمای اهل بیت در قرآن و سنت، عبدالرحیم سلیمانی، ص 35.

7. تفسیر نمونه، آیة الله مکارم شیرازی و همکاران، دارالکتب الاسلامیّه، تهران، چ 11، 1371. ش، ج 17، ص 195.

8. تفسیر الدّر المنثور، سیوطی، ج 5، ص 196.

9. «مفردات راغب اصفهانی، تهران، مکتب مرتضویه، ذیل واژه «اهل بیت».

10. تفسیر المیزان، علامه طباطبائی، انتشارات اسراء، قم، 1364 ش، ج 16، ص 484.

11. همان.

12. تفسیر طبری، محمد بن جریر طبری، ج 2، ص 5 - 7، انتشارات مؤسسه رسالت، بیروت، 1415 ق.

13. تفسیر الدّر المنثور، جلال الدین سیوطی، ج 5، ص 199، قم، منشورات کتابخانه مرعشی، 1404 ق.

14. ر.ک: اهل بیت در کتاب و سنت، محمدی ری شهری، دارالحديث، تهران، چ 1، ص 14.

15. 35؛ شواهد التنزیل، حفطایی، ج 2، ص 25، بیروت، مؤسسه علمی للمطبوعات، 1393 ق.

16. الصواعق المحرقة، هیثمی، فصل 3، باب 9، ص 76، مکتبه القاهره، مصر، 1312 ق.

17. المراجعات، ص 48.

شوری / 23. 17.

ر.ک: اهل بیت در کتاب و سنت، ص 40؛ دلائل الصدق، حسن بن محمد مظفر، ج 2، 18.

ص 119، انتشارات بصیرتی، قم، 1395 ق

آل عمران / 61. 19.

دلائل الصدق، ج 2، ص 135. 20.

بقره / 37. 21.

تفسیر الدّر المنثور، ج 1، ذیل آیه 22.

ر.ک: تفسیر نورالثقلین، عروس حویزی؛ تفسیر بحرانی، سید هاشم بحرانی؛ تفسیر 23.

الدّر المنثور؛ تفسیر نمونه و تفسیر المیزان، ذیل آیات فوق<sup>5</sup>

---

<sup>5</sup> <http://ensani.ir/fa/article/57834>

## شخصیت اهل بیت (علیه السلام) در قرآن

بدون شک آیات فراوانی در قرآن وجود دارد که ناظر به شخصیت و مقامات اهل بیت (علیهم السلام) است، چنان که آیات متعددی نیز درباره دشمنان و مخالفان پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام) نازل شده است. لکن چنانکه گفته شد مقاصد این آیات وقتی روشن می گردد که به روایات صحیحی که درباره سبب نزول آنها آمده است مراجعه شود و یا در صورتی که توضیح و تفسیری در خصوص مفاد آنها از معصومین (علیهم السلام) وارد شده است، ملاحظه گردد. و به عبارت دیگر حقایق این آیات در پرتو تاریخ صحیح نگریسته شود. با چنین مبنا تعداد آیاتی که ناظر به امامت و وصایت علی (علیه السلام) بوده و یا مقامات و کمالاتی را برای اهل بیت (علیهم السلام) اثبات می کند ثلث قرآن درباره ما «:فوق شمارش است. چنانکه امام باقر (علیه السلام) در حدیثی فرمود ؛ مثلاً در ذیل آیه ۶۸ [۱۲] «و دوستان ما و ثلث دیگر درباره دشمنان ما نازل شده است پس از آن که علی (علیه السلام) «:سوره مائده معروف به آیه ولایت در تفاسیر آمده است در حال رکوع انگشتر خود را به سائلی عطا نمود، این آیه درباره آن حضرت نازل [۱۳]،» گردید

و یا در ذیل آیه ۶۱ سوره آل عمران یعنی آیه مباهله آمده است که: «رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در جریان مباهله با مسیحیان نجران به اتفاق علی، فاطمه، حسن و حسین، به محل مباهله پا گذاشت و کس دیگری همراه آن حضرت نبود» [۱۴] و آیات فراوان دیگر که آشنایی با سبب نزول و یا تفسیر آنها، انسان را در جریان موقعیت سیاسی و معنوی اهل بیت (علیهم السلام) قرار می دهد. لذا بدون این که مطرح کرده باشیم که نام علی و فرزندان او (علیهم السلام) به طور صحیح در آیات قرآن بوده و در نتیجه تحریف، حذف شده است، بر این باوریم که مراجعه به توضیحات و یا سبب نزول هایی که در ذیل بسیاری

از آیات وجود دارد ما را به خوبی در جریان مقام و موقعیت اهل بیت (علیهم السلام) قرار می دهد، مگر آن که انسان بخواهد با بی اعتنایی به روایات معتبر و به طور کلی جریانات صحیح تاریخی، به مطالعه قرآن روی آورد که آن خود به نوعی زنده ساختن شعار خواهد بود «حسبنا کتاب الله» انحرافی

در این قسمت به بررسی آیاتی پرداخته می شود که یا سبب نزول آنها مبین فضیلتی برای اهل بیت (علیهم السلام) است. و یا با توجه به روایات معتبر، پس از نزول، انطباقی جز با علی و اهل بیت او (علیهم السلام) نیافته است.

### فداکاری بزرگ در آستانه هجرت ۱.

«و از مردمان [۱۵] {وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ} کسی هست که جان خود را در طلب خشنودی خدا می فروشد و خداوند به بندگان مهربان است.» این آیه به مناسبت حادثه لیلۃ المبیت نازل گردید. لیلۃ المبیت شبی است که در آن علی (علیه السلام) در بستر پیامبر (صلی الله علیه و آله) آرمید تا آن حضرت با آرامش خاطر از مکه به مدینه هجرت کند. مفسران شیعه با استناد به روایات منقول از ائمه (علیهم السلام) و یا اظهارات پاره ای از صحابه نزول آیه فوق را درباره علی (علیه السلام) مسلم می دانند. به عنوان مثال عیاشی به نقل از جابر و او از امام باقر (علیه السلام) آورده است که: ، درباره علی بن {وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ} آیه ابی طالب نازل گردید. و آنگاه که کفار قریش درصدد دستیابی به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و کشتن او بودند، علی (علیه السلام) در بستر پیامبر (صلی الله علیه و آله) خوابید و [بدین وسیله جان خود را تقدیم خدا و رسول او نمود. ۱۶]

طبرسی به نقل از ابن عباس نوشته است: «این آیه، پس از خروج پیامبر (صلی الله علیه و آله) از مکه به سوی مدینه و خوابیدن علی (علیه السلام) در بستر آن حضرت، در بین مکه و مدینه نازل گردید.» [۱۷] از دانشمندان اهل سنت نیز بسیاری نزول آیه لیلۃ المبیت را در

شأن علی (علیه السلام) تأیید کرده اند. از جمله ابن ابی الحدید از قول ابوجعفر اسکافی - از { وَمِنْ النَّاسِ مَنْ } علمای قرن سوم - نوشته است: «همه مفسران روایت کرده اند که آیه به مناسبت خوابیدن علی (علیه السلام) به جای پیامبر (صلی الله علیه وآله) در {...یشری [لیلة المبيت، نازل شده است،] ۱۸

تناسب خاصی با آیه سی ام سورة انفال «لیلة المبيت» اسکافی همچنین معتقد است که: آیه وَ اِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ اَوْ يَقْتُلُوكَ اَوْ يَكُونُوا لَكَ رِجَالًا خِلًا يَقُولُونَ وَاِنَّكَ لَفِي ضَلٰلٍ مُّبِينٍ «خبرجوک ویمکرون ویمکر الله والله خیر الماکرین؛ نقشه می کشیدند تو را به زندان بیفکنند یا به قتل برسانند، و یا از مکه خارج سازند، آنها چاره می اندیشیدند و نقشه می کشیدند و خداوند هم تدبیر می کرد و خدا بهترین چاره». جویان و تدبیر کنندگان است

وی می نویسد: «مکر قریش آن بود که پای همه قبایل را در کشتن رسول خدا (صلی الله علیه وآله) به وسط کشند و مکر خداوند نیز از طریق خوابیدن علی (علیه السلام) به جای پیامبر (صلی الله علیه وآله) ظاهر گردید.» [۱۹] ابن ابی الحدید از قول اسکافی این مطلب را هم اضافه کرده است که: «حدیث فراش (خوابیدن علی (علیه السلام) در بستر رسول خدا (صلی الله علیه وآله))، جریان متواتری است که جز دیوانه و یا کافر آن را انکار نمی کند.» [۲۰] به دلیل همین فضیلت استثنایی برای علی (علیه السلام)، بعدها معاویه تصمیم گرفت تا با پرداخت چهار صد هزار درهم، سمره بن جندب را راضی کند تا وی ادعا نماید که آیه: { وَمِنْ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي... } درباره ابن ملجم نازل شده است. [۲۱] سمره بن جندب به خواسته معاویه تن در داد، اما با توجه به فاصله نزول آیه با شهادت علی (علیه السلام) به دست ابن ملجم، جز افراد ساده لوح و بی خبر، کسی زیر بار روایت سمره نرفت.

## - اهل بیت رسول خدا (صلی الله علیه وآله) در روز مباهله ۲

فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا  
یعنی: هر گاه [۲۲] «وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ»  
بعد از علم و دانشی که (دربارهٔ مسیح) به تو رسید (باز) کسانی با تو به محاجه و ستیز  
برخیزند، به آنان بگو: بیایید ما فرزندان خود را دعوت کنیم، شما هم فرزندان خود را، ما  
زنان خویش را دعوت کنیم، شما هم زنان خود را، ما نفوس خود را دعوت کنیم، شما هم  
نفوس خود را، آنگاه مباهله کنیم و لعنت خدا بر دروغ گویان قرار دهیم

مباهله در اصطلاح دینی به معنای نفرین کردن دو نفر به یکدیگر است. :شرح و توضیح  
مراسم مباهله به این صورت است که افرادی که با هم در مطلبی اختلاف نظر دارند و در  
مقابل دلایل خود قانع نمی شوند در یک جا جمع شده، به درگاه خدا تضرع کنند و از او  
بخواهند که دروغگو را رسوا سازد. و اما جریان مباهله در تاریخ اسلام به این صورت است  
که: در سال دهم هجری هیئتی از مسیحیان نجران به مدینه آمدند و با رسول خدا (صلی الله  
علیه وآله) ملاقات و گفتگو کردند. در این دیدار بزرگان مسیحی - که قائل به الوهیت  
حضرت عیسی (علیه السلام) بودند - تولد آن حضرت بدون داشتن پدر را غیر ممکن اعلام  
کردند، اما در پاسخ آنها این آیه نازل گشت که: «مَثَلُ عِيسَى نَزْدَ خَدَا هَمَانْدَ آدَمَ اسْتِ کِه  
خداوند او را از خاک آفرید سپس به او فرمود: «موجود باش، و او موجود شد. این حقیقتی  
از جانب پروردگار تو است، بنابراین از تردید کنندگان مباش (که عیسی آفریدهٔ خدا  
».(باشد)

علی رغم این پاسخ روشن، مسیحیان قانع نشدند. در اینجا آیه مباهله نازل گشت و پیامبر  
(صلی الله علیه وآله) به امر الهی آنها را دعوت به مباهله کرد. طرفین موافقت کردند که  
روز بعد جهت انجام مباهله در محلی حاضر شوند. فردای آن روز پیامبر (صلی الله علیه  
وآله) - در حالی که علی، فاطمه، حسن و حسین (علیهم السلام) به همراه او حرکت می



اما گروه مسیحیان به هنگام مشاهدهٔ پیامبر (صلی الله علیه و آله) به محل مباحله حاضر گشت  
علیه و آله) و همراهان ایشان احساس کردند که در صورت مباحله احدی از آنها زنده  
نخواهد ماند، لذا به پیشنهاد بزرگ خود از مباحله صرف نظر کردند و مصالحه با پیامبر و  
پرداخت جزیه را ترجیح دادند.

آنچه در جریان مباحله اهمیت دارد این مطلب است که مطابق آیهٔ مباحله علی (علیه السلام)  
مصدق نفس پیامبر (صلی الله علیه و آله) بوده و حسن و حسین (علیهما السلام) به عنوان  
قلمداد شده اند. از این رو امامان شیعه - بعدها - (فرزندان رسول خدا (صلی الله علیه و آله  
در برخورد با مخالفان خود، همه جا با استناد به آیهٔ مباحله خود را پسران رسول خدا (صلی  
الله علیه و آله) نامیده و بر دیگران افتخار کرده اند. جریان مباحله با شرحی که گذشت، از  
حوادث قطعی و متواتر تاریخ اسلام است که نه کسی اصل آن را مورد تردید قرار داده  
است و نه کسی در مورد همراهان پیامبر (صلی الله علیه و آله) در روز مباحله، ادعای  
دیگری کرده است. این حادثه در تفاسیر شیعه و سنی و در بسیاری از کتب حدیث وارد  
[شده است]. ۲۳

### صاحبان فرمان از نظر قرآن ۳.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ  
فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ  
؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر خدا [۲۴] «تأویلاً  
و صاحبان امر را از خودتان. و هرگاه در چیزی نزاع و اختلاف کردید، آن را به خدا و  
رسول او باز گرانید، اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید. این کار برای شما بهتر و  
«عاقبت و پایانش نیکوتر است».

در آیهٔ شریفه پس از اطاعت از خدا و رسول (صلی الله علیه و آله)، سخن از اطاعت مؤمنان  
به میان آمده و این اطاعت، اطاعتی مطلق و بی قید و شرط است. در این که «اولوالامر» از

اولوالامر چه کسانی هستند، بین مفسران اختلاف نظر وجود دارد. اهل سنت در تعیین مصداق اولوالامر به اختلاف سخن گفته و مصادیقی چون خلفای اربعه، امرای سیاسی، فرماندهان نظامی و علمای دین، قضات و... را احتمال داده اند.[۲۵] در صورتی که به عقیده مفسران شیعه هیچ یک از مصادیق یاد شده در تفسیر اولوالامر صحیح نیست. دلیل این مطلب آن است که در آیه مذکور، اطاعت از اولوالامر در کنار اطاعت از خدا و رسول به شکل مطلق تکلیف شده است و این افراد جز در بین معصومان (علیهم السلام) مصداقی ندارند.

طبرسی پس از بیان اختلاف مفسران عامه در تعیین اولوالامر می نویسد: «اصحاب ما (شیعیان) از طریق امامان باقر و صادق (علیهما السلام) روایت کرده اند که اولوالامر همان امامان از اهل بیت پیامبرند که خداوند اطاعت از آنان را به طور مطلق واجب کرده، همانگونه که اطاعت از خود و اطاعت از پیامبرش را واجب کرده است. علاوه بر آن جایز نیست که خداوند، اطاعت از کسی را به صورت مطلق واجب کند مگر کسی که عصمت او ثابت شود و باطنش همانند ظاهرش باشد و نیز از هر گونه سهو و غلط و کار زشت، مبرا و در امان باشد و چنین چیزی نسبت به امرا و یا دانشمندان غیر قابل حاصل است، لذا خداوند اجل از آن است که به اطاعت از معصیت کار و یا کسانی که از قول و فعلشان انطباقی با هم ندارد، فرمان دهد.»[۲۶]

در بین اهل سنت، فخر رازی نیز وجود عصمت را لازمه اطاعت مطلق از اولوالامر دانسته و در این باره به روشنی استدلال کرده است، هر چند که در نتیجه گیری نهایی، این دانشمند زمخشری در تفسیر خود صاحبان امر را به امرای حق تفسیر کرده [به خطا رفته است].[۲۷] امرای جور که خداوند و رسول او از آنان بیزارند، هرگز نمی توانند در آیه - :و می نویسد [از جهت وجوب اطاعت از ایشان - عطف به خدا و رسول (صلی الله علیه و آله) شوند].[۲۸]

به طوری که گذشت روایات شیعه مصداق اولوالامر را به روشنی تعیین کرده است. به عنوان مثال کلینی در کتاب خود حدیثی از ابوبصیر نقل کرده که او گوید: از امام صادق درباره چه «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (علیه السلام) سؤال کردم: آیه کسانی نازل گردید؟ امام (علیه السلام) فرمود: «این آیه در شأن علی (علیه السلام) و فرزندان حسن و حسین (علیهما السلام) نازل گردید.» ابوبصیر گوید: باز سؤال کردم که مردم می گویند: از چه جهت، خداوند نام علی (علیه السلام) و خاندانش را نبرده است؟ امام صادق (علیه السلام) فرمود: «در پاسخ به مردم بگویند: دستور نماز خواندن بر رسول خدا (صلی الله علیه وآله) نازل گردید، در حالی که سخنی از سه رکعت و چهار رکعت در میان نبود، این رسول خدا (صلی الله علیه وآله) بود که رکعات نماز را تفسیر کرد.

دستور پرداخت زکات نازل شد، اما در آن نیامده بود که از چهل درهم یک درهم بپردازید و این رسول خدا (صلی الله علیه وآله) بود که نصاب زکات را تفسیر کرد. و دستور حج نازل شد در حالی که در آن نیامده بود که هفت نوبت طواف کنید، این رسول خدا (صلی الله علیه وآله) بود که مراسم طواف را تفسیر کرد. بر همین پایه فرمان خدا نازل گشت که: «از خدا و رسول خدا اطاعت کنید و از کسانی که از بین شما صاحبان امر باشند نیز اطاعت کنید.» که مصداق آن درباره علی و حسن و حسین (علیهم السلام) ثابت و پابرجا ماند. زیرا در ارتباط با این دستور بود که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود: «هر مؤمنی که من سرپرست و مولای او هستم علی مولا و سرپرست او خواهد بود.» و .. بدانید اگر رسول خدا (صلی الله علیه وآله) لب فرو می بست و خاندان خود را معرفی نمی کرد، خاندان فلان [و بهمان مدّعی می شدند که ما صاحب الامر شماییم.] ۲۹

#### - کمال دین در پرتو ولایت ۴

امروز «[۳۰] أَلْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا) برای شما دینتان را کامل ساختم و نعمت خود را بر شما تمام کردم و اسلام را به عنوان

دین بر شما پسندیدم». این آیه به فاصله اندکی پس از جریان غدیر خم نازل گردید. مقایسه مفاد آن با مفاد آیه تبلیغ گویای همین حقیقت است. زیرا در آیه تبلیغ، از ابلاغ فرمان خدا به مردم و ناقص شدن رسالت الهی در صورت عدم ابلاغ آن، سخن به میان آمده و در این آیه از کامل شدن دین خدا و تمام شدن نعمت الهی خبر داده شده است، لذا این دو مطلب با یکدیگر ارتباط دقیقی دارند که بر هیچ متدبری پوشیده نیست.

مفسران شیعه به طور عام و از مفسران اهل سنت نیز عده ای این ارتباط را پذیرفته و در کتاب های خود مورد تصریح قرار داده اند. به عنوان مثال طبرسی آورده است: «بنا به روایاتی که از امامین صادقین (علیهما السلام) نقل شده، پس از آن که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در روز غدیر خم، علی (علیه السلام) را به عنوان پیشوای مردم تعیین نمود، آیه اکمال نازل گردید. در این روایات همچنین آمده است: این آخرین فریضه ای بود که خداوند نازل فرمود و پس از آن فریضه دیگری نازل نگشت. طبرسی سپس با ذکر سند، روایتی به نقل از ابوسعید خدری ذکر کرده است که پس از نزول این آیه رسول خدا (صلی الله اکبر علی اکمال الدین و اتمام النعمة و رضا الرب برسالتی و «:الله علیه و آله) فرمود

ولاية علی بن ابی طالب من بعدی و قال من كنت مولاه فعلى مولاه اللهم وال من والاه و عاد

[۳۱] «من عاداه وانصر من نصره و اخذل من خذله»

مفسران اهل سنت غالباً معتقدند که: آیه اکمال در حجة الوداع و در روز عرفه نازل گردید و نزول آن پس از بیان مسائلی چون: ابلاغ آخرین احکام حلال و حرام و به عبارتی کامل شدن دایره تشریع، آزادی خانه خدا از مظاهر شرک و بت پرستی و در نتیجه قطع نفوذ مشرکان از آنجا، انجام مناسک حج توسط رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و مسلمانان اما [صورت گرفت و این امور موجب یأس کفار از غلبه دوباره بر مسلمانان بوده است] ۳۲ به دلایلی باید گفت که احتمالات یاد شده درباره نزول آیه اکمال، احتمالات نادرستی است:

از جمله

بسیاری از دانشمندان اهل سنت ارتباط آیه اکمال و ماجرای غدیر خم را پذیرفته و - ۴ / ۱ - یا لا اقل به عنوان یک احتمال در کتاب های خود نقل کرده اند به طوری که علامه امینی، [۱۶ منبع از منابع اهل سنت را در این خصوص معرفی کرده است. ۳۳]

اکثر مواردی که به عنوان مصادیق کامل شدن دین در تفاسیر اهل سنت به چشم - ۴ / ۲ - می خورد - از جمله احکام حلیت گوشت ها، بیان حلال و حرام الهی، تشریع حج، آزادی خانه خدا از مظاهر بت پرستی و .. - یا از چنان اهمیتی برخوردار نیست که ارتباطی با کامل شدن دین پیدا کند و یا از مواردی است که از سال ها قبل از نزول آیه اکمال تحقق یافته بود.

در آیه شریفه بحث از کامل شدن دین به میان آمده و این موضوع با یأس کامل - ۴ / ۳ - کفار نسبت به مسلمانان پیوند خورده است. اما یأس و نومییدی کفار معنایی جز قطع نفوذ و سلطه آنان بر مسلمانان ندارد که این موضوع پس از روشن شدن وضع رهبری در امت اسلامی - آن هم بعد از رحلت رسول خدا (صلی الله علیه وآله) - قابل حصول است.

عده ای از مفسران قائلند که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) پس از نزول آیه - ۴ / ۴ - اکمال ۸۱ روز بیشتر زندگی نکرد. [۳۴] با توجه به آن که مطابق پاره ای از روایات، وفات رسول خدا (صلی الله علیه وآله) در دوازدهم ربیع الاول بوده است [۳۵] نتیجه می شود که روز نزول آیه اکمال روز هجدهم ذی الحجه بوده است.

اکثر مفسران شیعه به ویژه علامه طباطبایی، نزول آیه اکمال را تحقق وعده الهی که - ۴ / ۵ - در آیه ۵۵ سوره نور مطرح شده است، دانسته اند و می دانیم که در این آیه بحث از استخلاف مؤمنان بر زمین و استقرار دین الهی توأم با آرامش و امنیت صالحان است، که [قطعاً نصب علی (علیه السلام) به پیشوایی مؤمنان مقدمه چنین حکومتی بوده است. ۳۶]

امام باقر (علیه السلام) از ولایت علی (علیه السلام) به عنوان آخرین فریضه نازله - ۴ / ۶ - یاد کرده است. [۳۷] در روایات دیگر تصریح شده است که اسلام بر پنج ستون استوار شده

که آنها عبارتند از: نماز، زکات، حج، روزه و ولایت [۳۸] در تمام این روایات بر این مطلب تأکید شده است که ولایت به عنوان فریضه ای است که اولی و افضل بر سایر فرائض است.

### ولی و سرپرست مؤمنان ۵.

إِنَّمَا وَلِيكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ هُمَانَا وَلِي و سرپرست شما خدا و رسول او هستند و نیز کسانی که ایمان «[۳۹]» «راکعون آورده اند، همان ها که نماز پیا می دارند و در حالی که در رکوع به سر می برند زکات می دهند.» این آیه، به آیه ولایت معروف است و در سبب نزول آن در تفاسیر شیعه و سنی آمده است که: روزی فقیری وارد مسجد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شد و از حاضران تقاضای کمک نمود، اما کسی توجهی به او نکرد. در این هنگام علی (علیه السلام) که در حال رکوع به سر می برد، به سمت فقیر اشاره کرد و بدین وسیله به او فهماند که انگشتی نازل «...انما ولیکم الله و»: حضرت را برای خود بردارد و در اینجا بود که آیه [گردید. ۴۰]

پاره ای از روایات تصریح می کند که نماز علی (علیه السلام) در آن لحظه به صورت نافله و مستحبی بوده است. [۴۱] (۳) بنا به روایتی از ابن عباس رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بر او نازل گردید، «...انما ولیکم الله و» سرگرم وضو و آماده شدن جهت نماز بود که آیه در اینجا بود که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) وارد مسجد گردید و از حال کسی که چنین انفاقی نموده است جويا گردید و متوجه شد که، چنین کسی جز علی (علیه السلام) نبوده است. [۴۲] (۱)

آیه ولایت از مهم ترین شواهدی است که دانشمندان شیعه با استفاده از آن امامت بلافصل که مفید حصر است، ذکر «انما» علی (علیه السلام) را اثبات کرده اند. شروع آیه با تعبیر ولایت مؤمنان زکات دهنده در طول ولایت خدا و رسول، مصداق انحصاری این مؤمنان به علی (علیه السلام) مطابق روایات معتبر شیعه و سنی، و بالآخره مفهوم ولایت در آیه که

چیزی جز سرپرستی و رهبری نیست، همه و همه از قرائنی است که مبین امامت علی (علیه السلام) پس از پیامبر (صلی الله علیه و آله) است. شیخ طوسی در تفسیر آیه می نویسد: «بدان که این آیه از واضح ترین ادله بر امامت بلافصل علی (علیه السلام) پس از پیامبر ثابت می گردد که کلمه ولی در آیه به معنای اولی و زیرا اولاً (صلی الله علیه و آله) است، کسی جز علی (علیه) «والذین آمنوا»: ثابت شده است که مصداق و دیگر آن که احق است (السلام) نیست و با اثبات این دو اصل، دلالت آیه بر امامت علی (علیه السلام) روشن و [واضح است.]» [۴۳]

در مورد آیه ولایت پرسش هایی مطرح شده است. از جمله آن که: چگونه ممکن است علی (علیه السلام) در نماز به کاری غیر از راز و نیاز با پروردگار خود مشغول گردد؟

حضور سائل در مسجد و تقاضای مکرر او از مردم برای کمک به وی، در پاسخ باید گفت به طور طبیعی توجه هر کسی را جلب می کند. به ویژه آن که نماز علی (علیه السلام) در آن لحظه، نماز مستحبی بود و احسان به فقیر عبادتی است که اهمیت و ثواب آن کمتر از نماز نافله نمی باشد.

پرسش دیگر آن است که آیا اعطای انگشتی می تواند مصداقی از پرداخت زکات باشد؟

به مفهوم شرعی و «زکات» در بسیاری از آیات قرآن تعبیر: در پاسخ می توان گفت اصطلاحی آن - که اکنون رواج دارد - به کار نرفته است، بلکه زکات به معنای هر گونه انفاق و احسان در راه خداست. زکات به معنای شرعی در سال نهم هجری وضع شده و آیات قرآن و روایات صحیح السند گواه این مطلب است. [۴۴] لذا تعبیر زکات در به معنای احسان علی (علیه السلام) به فقیر بوده «ویؤتون الزکاء و هم راکعون»: فراز است. پرسش بعد درباره الفاظ جمع موجود در آیه است. آن هم با توجه به آن که آیه ولایت اختصاصاً درباره علی (علیه السلام) نازل شده است.

مفسران به بحث پرداخته اند از جمله زمخشری نوشته است: «اگر در پاسخ به این پرسش، کسی بگوید چگونه صحیح است که آیه در شأن علی (علیه السلام) نازل شده باشد، در به صورت جمع به کار رفته است، خواهم گفت: در این آیه با آنکه «الذین» صورتی که لفظ آیه دربارهٔ یک فرد نازل شده، لفظ جمع به کار رفته است تا آن که سایر مردم نیز به چنین کاری ترغیب شوند و به ثوابی مانند ثواب علی (علیه السلام) دست یازند.» [۴۵] البته سخن زمخشری، سخن درستی است لکن تاریخ سراغ ندارد که پس از علی (علیه السلام) نیز کسی در حال رکوع به چنین کاری دست زده باشد.

### - ابلاغ آخرین فرمان، تکمیل رسالت ۶

یا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ  
ای رسول (ما) آنچه را که از طرف «[۴۶]» «مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ»  
پروردگارت بر تو نازل شده است به مردم برسان. و اگر چنین نکنی رسالت او را انجام  
نداده ای. و خداوند تو را از (خطر) مردم حفظ می کند. خداوند جمعیت کافران را هدایت  
به آیه تبلیغ یا آیه ابلاغ (بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ) نخواهد کرد. این آیه با توجه به فراز  
معروف شده است. مفسران شیعه و بسیاری از مفسران اهل سنت تصریح کرده اند که آیه  
صلی الله علیه وآله) نازل گردید. و با نزول آن رسول (تبلیغ در سفر حجة الوداع بر پیامبر  
گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) علی (علیه السلام) را به جانشینی خود منصوب  
[فرمود. ۴۷]

بنابر آنچه اکثر این مفسران آورده اند؛ پس از بازگشت رسول خدا (صلی الله علیه وآله) از  
حجة الوداع - که در آخرین سال حیات آن حضرت به وقوع پیوست - در منطقه ای به نام  
غدیر خم جبرئیل بر پیامبر (صلی الله علیه وآله) نازل گردید و این آیه را از طرف خداوند  
آورد که: «ای پیامبر! آنچه از جانب پروردگارت بر تو نازل شده ابلاغ کن، اگر این کار را  
»نکردی، رسالت الهی را ابلاغ نکرده ای



با نزول این آیه رسول خدا (صلی الله علیه وآله) به مسلمانان دستور توقف داد و پس از برپایی نماز ظهر به ایراد خطبه پرداخت. در این خطبه رسول خدا (صلی الله علیه وآله) از بی اعتباری دنیا و نزدیک بودن رحلت خود سخن به میان آورد. آن حضرت سپس حدیث ثقلین را ایراد فرمود و مردم را به حفظ حقوق اهل بیت (علیهم السلام) سفارش کرد، آنگاه دست علی (علیه السلام) را گرفت و به طوری که همه مردم بتوانند مشاهده کنند سؤال کرد: «ای مردم، چه کسی از اهل ایمان به آنان سزاوارتر است؟» مردم گفتند: خدا و همانا خدا مولای من است و من «:رسولش داناترند. رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود مولای مؤمنین هستم و اولی و سزاوارترم بر آنها از خودشان، پس هر کسی که من مولای حضرت این سخن را سه بار و به قولی چهار بار تکرار «.اویم، علی مولای او خواهد بود کرد و سپس دست به دعا برداشت و فرمود: «بار خدایا دوست بدار کسی که او (علی) را دوست بدارد و دشمن بدار کسی که او را دشمن بدارد و یاری فرما یاران او را و خوارساز خوارکنندگان او را.» در این هنگام جمعیت گروه گروه جلو آمدند و ضمن بیعت با علی [علیه السلام] این واقعه را به او تبریک گفتند. [۴۸]

چیزی جز اعلام ولایت علی «ما انزل الیک»: از آنچه گذشت روشن می گردد که مفاد (علیه السلام) نبود. و این موضوع قبلاً - از طریق وحی غیر قرآنی - به رسول خدا (صلی الله علیه وآله) گوشزد شده بود. عیاشی در روایتی از قول ابن عباس و جابر بن عبدالله انصاری آورده است: «خداوند به پیامبر خود فرمان داده بود که علی (علیه السلام) را به جانشینی خود منصوب سازد و مردم را از ولایت او باخبر نماید، اما پیامبر (صلی الله علیه وآله) نگران بود که مردم بگویند او از پسرعموی خود حمایت کرده و در نتیجه سر به طغیان گزارند؛ تا را نازل ساخت و پس از آن پیامبر (...یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک): آن که خداوند آیه [صلی الله علیه وآله] در روز غدیر ولایت علی (علیه السلام) را اعلام فرمود.» [۴۹]

لذا آیه تبلیغ مهم ترین دلیل بر اثبات امامت بلا فصل علی (علیه السلام) در قرآن است که با این وجود برخی از مفسران اهل سنت . جای تردید برای حق طلبان باقی نمی گذارد کوشیده اند تا با توجیهاتی آیه تبلیغ را از پیام اصلی آن منصرف سازند مثلاً برخی گفته اند که آیه تبلیغ در مکه نازل گردید و با نزول آن رسول خدا (صلی الله علیه وآله) مکلف گردید تا بدون هیچ واهمه حقایق اسلام را به کفار و مشرکان ابلاغ نماید. [۵۰] با آن که این مفسران می دانند که سوره مائده از سوره های مدنی است که در پایان عمر رسول خدا (صلی الله علیه وآله) نازل شده و قول به مدنی بودن آیه تبلیغ نیز از شهرت زیادی در (تفاسیر اهل سنت برخوردار است). [۵۱] (۲)

در مدینه نازل گردید، اما هدف از نزول آن ترغیب آیه تبلیغ: برخی دیگر گفته اند که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) در ابلاغ حقایق وحی به یهود و نصاری بوده است. [۵۲] غافل از آن که پس از درگیری های مسلمانان با یهودیان در جنگ های بنی قریظه و خیبر، قدرت و شوکت یهودیان در هم شکسته شد و مسیحیان نیز از همان ابتدا در عربستان فاقد قدرت بوده اند و حداکثر مقابله مسلمانان با آنان، ماجرای مباهله بود که آن هم منتفی گشت. [۵۳] بنابراین در سال های پایانی عمر رسول خدا (صلی الله علیه وآله) موجبی جهت نگرانی پیامبر (صلی الله علیه وآله) از یهود و نصارا وجود نداشت، تا پیامبر (صلی الله علیه وآله) از ابلاغ حقایق اسلام به آنان واهمه کند.

باز می گردد. عده ای از «مولا» مهم ترین تشکیک وارده در آیه تبلیغ به تفسیر کلمه مولا به معنای «من کنت مولا فلهذا علی مولا»: مفسران اهل سنت معتقدند که در حدیث دوست و یاور است نه رهبر و اولی به تصرف، از جمله صاحب تفسیر المنار می نویسد: «حدیث غدیر خم بر ولایت سلطه که عبارت از امامت یا خلافت است، دلالتی ندارد، زیرا این لفظ به این معنی در قرآن وارد نشده است، بلکه مراد از ولایت در این حدیث [ولایت نصرت و موَدّت است که در قرآن هم وارد شده است].» [۵۴]

لفظ مولا، لفظی مشترک است که بر معانی متعددی قابل حمل: در نقد این نظر باید گفت است، اما قراین موجود در حدیث غدیر، تعیین کننده مفهوم واقعی مولا می باشد. این قرائن متعدد است که برخی از آن ها عبارتند از

کاربرد کلمه «مولا» در قرآن به مفهوم «اولی» [۵۵] بر خلاف نظر صاحب المنار، - ۱ / ۶  
نزول آیه تبلیغ قبل از معرفی علی (علیه السلام) آن هم با پیام تند: {ان لم تفعل - ۲ / ۶  
}فما بلغت رسالته

،(توقف مسلمانان در منطقه غدیر توسط رسول خدا (صلی الله علیه وآله - ۳ / ۶  
خطابه پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) در غدیر خم و زمینه چینی آن حضرت از - ۴ / ۶  
،(جمله طرح ولایت خود و سفارش به حقوق اهل بیت (علیهم السلام  
نزول آیه اكمال دین پس از این ماجرا، - ۵ / ۶

احتجاج علی (علیه السلام) به واقعه غدیر جهت اثبات اولویت خود نسبت به - ۶ / ۶  
دیگران.

زنده ماندن واقعه غدیر در تاریخ اسلام و بزرگداشت آن به عنوان عید بزرگ، - ۷ / ۶  
[توسط مسلمانان]. ۵۶

#### - منادی برائت از مشرکان ۷

وَ أَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ «  
یعنی (علیهم السلام) «و این اعلامی است از جانب خدا و رسول او به مردم [۵۷]» «وَرَسُولُهُ  
»در روز حج اکبر (عید قربان) که خداوند و رسول او از مشرکان بیزارند

چنانکه می دانیم سوره توبه بدون بسم الله... نازل گردید تا مظهري از قهر: شرح و توضیح  
و غضب الهی را نسبت به مشرکان به نمایش گذارد. ده آیه نخست این سوره خصوصاً،

نشان دهنده چنین مطلبی است و بیزاری صریح خدا و رسولش را نسبت به مشرکان نشان می دهد. پس از نزول این آیات، رسول خدا (صلی الله علیه وآله) این آیات را به ابوبکر داد و وی را برای قرائت آنها در جمع مشرکان روانه مکه ساخت. اما هنوز ابوبکر از میدنه دور **لن یؤدی** انه:» نشده بود که جبرئیل (علیه السلام) نازل گشت و این پیام را نازل کرد که یعنی: «این کار را غیر از تو یا کس دیگری که از تو باشد، عنک الا انت او رجل منک» کسی ادا نخواهد کرد

در این هنگام رسول خدا (صلی الله علیه وآله) علی (علیه السلام) را به دنبال ابوبکر فرستاد و به او دستور داد که آیات سوره توبه را از وی بگیرد و روانه مکه گردد. ابوبکر به مدینه بازگشت و دلیل این کار را از پیامبر (صلی الله علیه وآله) جویا گردید. رسول خدا (صلی الله علیه وآله) برای وی توضیح داد که تغییر مأموریت به دستور الهی صورت پذیرفته (است). [۵۸] (۱)

مطلب فوق به شرحی که گذشت مورد قبول اکثر مفسران اهل سنت قرار دارد [۵۹] ۲ و این بزرگان در تفاسیر خود آورده اند که علی (علیه السلام) پس از حضور در جمع مشرکان آیات نخست سوره توبه را قرائت کرد و علاوه بر آن، آنان را در جریان مهلت الهی به مشرکان قرار داد، مهلتی که بر اساس آن مشرکان تنها چهار ماه فرصت داشتند که با آزادی در مسجد الحرام رفت و آمد کنند و واضح است که اعلام چنین پیامی - آن هم به صورت علنی - تا چقدر مهم و مخاطره آمیز بوده است. آنچه در این ماجرا از اهمیت برخوردار است مسأله توانایی بر انجام چنین مأموریتی است که تنها در عهده رسول خدا (صلی الله علیه وآله) یا مردی از وی قرار داده شده است و تعبیر «رجل منک» اشاره بر همین مطلب دارد.

برای آن که حقیقت این تعبیر روشن گردد در مقام توضیح باید گفت که در عهد جاهلیت قرارها و پیمان هایی بین افراد و قبایل عرب منعقد می گردید که هر کدام حقوق و

تعهداتی را برای طرفین پیمان به وجود می آورد. مثلاً اگر شخصی خطاب به دیگری این وی با ذکر این جمله در واقع اتصال «انت منی و انا منک» جمله را به زبان می آورد که روحی و معنوی خود را نسبت به او اعلام کرده بود و بر اساس چنین تعبیری طرفین متعهد می شدند که مواقع خطر به حمایت از یکدیگر برخیزند و از هیچ گذشت و فداکاری نسبت به همدیگر فروگذار نکنند و چنانکه می دانیم میان پیامبر و علی (علیه السلام) چنین نسبتی برقرار گردید و بر اساس همین تعهد بود که علی (علیه السلام) در شب هجرت پیامبر (صلی الله علیه و آله) در بستر آن حضرت قرار گرفت تا آن حضرت به مدینه مهاجرت کند و یا در تمام جنگ ها دفاع از پیامبر (صلی الله علیه و آله) را نصب العین خود قرار داد، چنان که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نیز در بین یاران خود تنها علی (علیه السلام) را به عنوان برادر خود انتخاب کرد و از هیچ فرصتی جهت اعلام حقوق و صلاحیت های وی فروگذار نکرد، به هر حال اتحاد روحی پیامبر (صلی الله علیه و آله) و علی (علیه السلام) به حدی رسید که مطابق آیه مباهله، علی (علیه السلام) نفس پیامبر (صلی الله علیه و آله) قلمداد گشت و واجد تمام صلاحیت ها و اختیارات رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شناخته شد و از این رو در اعلان آیات نخست سوره توبه از جانب خداوند این خطاب رسید که: «انّه لن یؤدّی عنک الا انت او رجل منک» و رسول خدا با اعزام علی (علیه السلام) به این «مأموریت دشوار، به همگان نشان داد که چه کسی قادر است به جای وی قرار گرفته و [دقیقاً کارهای وی را دنبال نماید]. ۶۰

### - پیشتاز صحنه ایمان و جهاد ۱

أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ  
 یعنی: «آیا سیراب کردن [۶۱]» «اللّٰهُ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللّٰهِ وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ  
 حاجیان و آباد ساختن مسجدالحرام را همانند (کار) کسی قرار دادید که به خدا و روز

قیامت ایمان آورده و در راه خدا جهاد کرده است؟ این دو، هرگز نزد خدا مساوی نیستند  
«و خداوند گروه ظالمان را هدایت نمی کند

این آیه به آیه سقایت یا آیه مفاخره معروف است. شأن نزولی دارد که مفسران شیعه و  
قریب به اتفاق مفسران اهل سنت به نقل آن پرداخته اند به این صورت که: روزی دو تن از  
بزرگان قریش به نام های طلحه بن شیبه یا شیبه و عباس بن عبدالمطلب با هم سخن گفته  
و به تفاخر نسبت به یکدیگر مشغول بودند. عباس می گفت: من دارای امتیازی هستم که  
کسی از آن بهره ندارد و آن آب دادن به حجاج است. در مقابل شیبه می گفت: من  
کلیددار خانه خدا و تعمیر کننده آن هستم. در این هنگام علی (علیه السلام) وارد شد و چون  
در جریان این افتخارات قرار گرفت رو به آنان کرد و گفت: «من در مقابل شما حیا می  
کنم. اما باید بگویم که با این سن کم، افتخاری دارم که شما از آن بی بهره اید» آنها  
من با شمشیر با شما جهاد کردم تا به خدا و «پرسیدند: چه افتخاری؟ حضرت فرمود  
و مطابق روایت دیگر علی (علیه السلام) [۶۲] «رسول او (صلی الله علیه و آله) ایمان آورد  
پس از مشاهده تفاخر آن دو به یکدیگر، گفت: «نمی دانم شما چه می گوئید، من به سوی  
این قبله، قبل از شما و قبل از تمام مردم، به شش ماه، نماز خواندم، من صاحب  
[جهادم].» [۶۳]

در ادامه این روایت آمده است که: عباس پس از شنیدن پاسخ های علی (علیه السلام)  
خشمگین شد و به نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) رفت و ماجرا را تعریف کرد. پیامبر  
(صلی الله علیه و آله) به دنبال علی (علیه السلام) فرستاد و از او در این باره سؤالاتی کرد. در  
این هنگام جبرئیل (علیه السلام) نازل گردید و این آیه را آورد که: «آیا سیراب کردن  
حاجیان و آباد ساختن مسجدالحرام را همانند (عمل) کسی قرار داده اید که به خدا و روز  
قیامت ایمان آورده و در راه خدا جهاد کرده است؟...» و در آیه بعد نیز خداوند فرمود:

«آنها که ایمان آوردند و هجرت کردند و با اموال و جان هایشان در راه خدا جهاد نمودند [مقامشان نزد خدا برتر است و آنها همان رستگارانند.]» [۶۴]

### - تعیین وصی در نخستین دعوت ۹

یعنی: «و خویشاوندان نزدیک خود را انذار [۶۵]» وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ «بر اساس آنچه در تاریخ های معتبر آمده است، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شرح: «کن وَ أَنْذِرْ (و آله) تا سه سال به صورت مخفیانه دعوت می کرد، اما به دنبال نزول آیه پیامبر (صلی الله علیه و آله) مأمور شد که دعوت خود را علنی سازد و (عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ در این راه از خویشان و اقربای خود آغاز کند. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به همین منظور خویشان خود را دعوت فرمود و پس از چند جلسه پذیرایی دعوت خود را با آنان در میان گذاشت.

طبری مورخ بزرگ اهل سنت ماجرای این دعوت را به نقل از علی (علیه السلام) که خود شاهد وقایع بوده به این شکل نقل می کند: «در آن جمع رسول خدا (صلی الله علیه و آله) رو به قوم خود کرد و گفت: به راستی من خیر دنیا و آخرت را برای شما آوردم و خدای تبارک و تعالی به من فرمان داده است که شما را به آن دعوت کنم. پس کدامیک از شما مرا در این کار یاری و همراهی می کند که در این صورت او برادر من، وصی من و جانشین من در بین شما باشد؟» علی (علیه السلام) در ادامه می فرماید: «پس بستگان پیامبر (صلی الله علیه و آله) همگی روی گرداندند. اما من در حالی که از همه کوچکتر بودم. بپا خاستم و ای پیامبر خدا، من یار و وزیر شما در این کار خواهم شد. در اینجا پیامبر (صلی الله علیه و آله) گفت این شخص برادر من، وصی من و (علیه و آله) گردن مرا گرفت و خطاب به آن جمع گفت خلیفه من در بین شماست. سخن او را بشنوید و از او اطاعت کنید. در اینجا آن جماعت در حالی که می خندیدند، برخاسته، خطاب به ابوطالب گفتند: به تو دستور داد که فرمان [۶۶]»! پسرت را بشنوی و از او اطاعت کنی

مطلب فوق جریان مشهوری است که با نقل های مکرری در کتب اهل سنت آمده است. در یکی از این روایات در تاریخ طبری آمده است؛ روزی شخصی به علی (علیه السلام) گفت: ای امیر مؤمنان، با چه ملاکی تو وارث پسر عموی خود شدی و حال آن که عموی تو عباس نتوانست در مقابل تو ادعایی کند؟ علی (علیه السلام) برای آن شخص ماجرای علنی شدن دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و معرفی او را در آن روز شرح داد و سپس یادآور شد که به این دلیل بود که پس از مرگ رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، من وارث او شدم نه [عموی من]. ۶۷

با تأمل در روایتی که گذشت دو مطلب مهم به شرح زیر فهمیده می شود

خویشان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) را به یک - ۱  
حادثه ناپایدار و گذرا بیشتر تصور کردند تا امری پایدار و ماندنی. چه، اگر احتمال موفقیتی برای رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می دادند بعید نبود که از باب آینده نگری و حفظ منافع قومی و قبیله ای، برخی به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ایمان آورند.

بیان موقعیت علی (علیه السلام) به عنوان برادر، وصی و جانشین رسول خدا (صلی الله علیه و آله) - ۲  
علیه و آله) از همان آغاز مورد توجه خدا و رسول (صلی الله علیه و آله) بوده است و از این رو دعوت مردم به اصل دین با معرفی علی (علیه السلام) به عنوان جانشین آینده رسول گرامی همراه بود.

**- اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) در کتاب خدا ۱۰**

یعنی: «جز این [۶۸]» إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا  
نیست که خداوند اراده فرموده تا زشتی و پلیدی را از شما اهل بیت بزدايد و شما را از هر جهت (و از هر شائبه ای) پاک سازد



مفاد این آیه بدون هیچ تردیدی اثبات کننده عصمت برای اهل بیت: شرح و توضیح (علیهم السلام) است. زیرا تعبیر «رجس» در آیه به معنای آلودگی فکری و روحی است نه آلودگی جسمی و ظاهری. پاک کردن آلودگی جسم توسط هر شخصی امکان پذیر است و ندارد «انما» نیاز به اراده خداوند آن هم با قید انحصاری

ضمناً در آیه شریفه بحث از اعمال اراده خداوند درباره گروه خاصی به نام اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) است و بحث مهم در این آیه تعیین مصادیق اهل بیت است که البته در زمان نزول آیه جز علی، فاطمه، حسن و حسین (علیهم السلام)، نبوده اند.

ممکن است کسانی تصوّر کنند که چون قبل و بعد از آیه تطهیر در سوره احزاب، سخن از همسران رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به میان آمده، آنان نیز علی القاعده مشمول قرار گرفته و با مصادیق ذکر شده در شئونی چون عصمت شریک «اهل بیت» تعبیر باشند، اما این تصوّر به دلایل متعددی درست نیست، از جمله (علیهم السلام) روایت هایی که در کتب اهل سنت آن هم از جانب برخی از همسران رسول خدا (صلی الله علیه و آله) وارد شده، نشان می دهد که این آیه فقط در شأن علی، فاطمه، حسن و حسین (علیهم السلام) نازل شده است، نه کس دیگر.

آیه تطهیر در: از جمله ترمذی در کتاب سنن خود از امّ سلمه روایت می کند که او گفت خانه من نازل شد و در پی آن رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به دنبال علی، فاطمه، حسن و حسین (علیهم السلام) فرستاد و پس از آن، آنان را در زیر عبایی جمع کرد و عرض کرد: «پروردگارا، اینان اهل بیت من هستند. رجس و پلیدی را از ایشان دور ساز و از هر جهت پاکیزه شان بگردان.» من (امّ سلمه) گفتم: ای نبی خدا آیا من با ایشانم؟ امّا پیامبر (صلی الله علیه و آله) به من فرمودند: در جای خود باش که تو فردی عاقبت بخیری. [۶۹]

ترمذی در روایت دیگر از قول انس بن مالک نقل کرده است: (پس از نزول آیه تطهیر) پیامبر (صلی الله علیه و آله) تا شش ماه به هنگام نماز صبح از کنار خانه فاطمه (علیها

الصلاة يا اهل البيت «:السلام) می گذشت و آنان را به این صورت برای نماز صدا می کرد و مقصود رسول خدا [۷۰] «انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت و يطهركم تطهيرا (صلی الله عليه وآله) از این تکرار آن بود که همگان بدانند «اهل بیت» مصادیقی جز علی، فاطمه، حسن و حسین (علیهم السلام) ندارد

## - پاداش رسالت //

یعنی: «بگو هیچ پاداشی از شما (بر رسالتم) «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»  
:توضیح آیه را با طرح دو سؤال آغاز می کنیم.» نمی خواهم، جز دوست داشتن نزدیکانم  
آیا پیامبران الهی در قبال زحمات طاقت فرسای خود - برای هدایت بشر - طالب مزد بوده - اند؟

آیا به فرض طلب مزد، انسان ها قادرند اجر و مزد پیامبران را بپردازند؟ مراجعه به آیات - قرآن نشان می دهد که پاسخ هر دو سؤال منفی است. در سورة شعراء از زبان پنج تن از [۷۱] «وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ»: پیامبران آمده است که و این آیه نشان می دهد که نه تنها پیامبران خواهان پاداش - به ویژه مزد مادی - نبوده اند: که انسان نیز قادر به جبران زحمات پیامبران نیست. در آیه دیگری آمده است  
بگو من در برابر ابلاغ رسالت، پاداشی از شما مطالبه نمی کنم مگر آن که کسانی بخواهند «  
[راهی به سوی پروردگارشان برگزینند.][۷۲]

که در این آیه رهیابی انسان به سوی کمال نوعی پاداش برای پیامبر (صلی الله عليه وآله) اعلام شده است

اما در این میان آیه ای در سورة شوری وارد شده است که از مردم دعوت می کند که پاداش رسالت پیامبر را در نظر گرفته و آن را ادا کنند و این پاداش چیزی جز مودت و

دوستی نسبت به ذی القربای پیامبر (صلی الله علیه وآله) نیست که خداوند از رسولش خواسته است آن را به اطلاع همگان برساند.

### اما مصداق «قربی» در آیه واقع در سورة شوری چه کسانی هستند؟

را بر قریش تطبیق داده و «قربی» برخی مانند ابن کثیر با نقل سخنی از ابن عباس کلمه متعرض شده اند که خانواده ای در قریش نبود، مگر آنکه بین او و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) پیوندی برقرار بود. [۷۳] ابن کثیر خود کلمه را به معنای مصدری در «قربی» علیه وآله) پیوندی برقرار بود. [۷۳] ابن کثیر خود کلمه نظر گرفته و آیه را چنین تفسیر کرده است: «بگو ای پیامبر من در قبال رسالت من از شما [مزدی نمی خواهم لکن به سبب قرابتی که بین من و شما وجود دارد، مرا آزار مکنید].» [۷۴] را به معنای «القربی» در مقابل، برخی دیگر از مفسران، مانند زمخشری و فخر رازی خویشان پیامبر (صلی الله علیه و آله) گرفته و مصداق آن را بر علی، فاطمه، حسن و حسین (علیهم السلام) منطبق کرده اند.

قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ ( زمخشری نوشته است: در روایت است که چون آیه نازل شد، اصحاب گفتند: ای رسول خدا، خویشان تو که مودت آنان بر ما واجب (فی القربی) است چه کسانی هستند؟ پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «علی، فاطمه و دو پسرشان زمخشری سپس به نقل حدیث مفصلی در دوستی آل محمد (علیهم السلام) می پردازد که من مات علی حب آل محمد مات شهیداً، الا : قال رسول الله: «با این عبارت شروع می شود [۷۵]».... و من مات علی حب آل محمد مات مغفوراً له،

فخر رازی پس از ذکر همین مطالب می گوید: این عقیده زمخشری بود که از نظر گذشت. آل محمد عبارت از کسی است که امر آنها به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) : اما من معتقدم و آله) باز می گردد و شک نیست که فاطمه، علی، حسن و حسین (علیهم السلام) بیشترین تعلق و بستگی را به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) داشته اند و لذا است که آنان مصداق

آنان - یعنی علی، فاطمه، اولاً،: «آل» قرار می گیرند و در عظمت آل محمد همین بس که حسن و حسین (علیهم السلام) - خود محبوب رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بوده اند. پس آنان در تشهد نماز، در کنار رسول الله مخصوص به ثانیاً، دوستی آنها بر امت واجب است که این نیز بر وجوب حب و دوستی، «اللهم صل علی محمد و آل محمد»: دعا شده اند که [آنان دلالت دارد]. ۷۶

### - فضیلت انحصاری در انفاق ویژه ۱۲

یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةٌ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ» یعنی: «ای کسانی که ایمان آورده اید؛ [۷۷]» وَأَطْهَرُ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ هنگامی که می خواهید با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نجوا کنید (سخنان در گوشه بگوئید) قبل از آن صدقه ای بدهید، این کار برای شما بهتر و پاکیزه تر است. پس اگر چیزی نیافتید، بدانید که خداوند آمرزنده و مهربان است. این آیه به آیه نجوا معروف است. بنابر آنچه غالب مفسران - از شیعه و سنی - در تفاسیر خود آورده اند: در بین اصحاب رسول خدا (صلی الله علیه و آله) عده ای از ثروتمندان گاه و بیگاه خدمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آمده و با آن حضرت به نجوا می پرداختند. این کار علاوه بر آنکه وقت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را می گرفت، موجب امتیازی برای اغنیا و نگرانی برای فقرا می گشت، در اینجا بود که آیه نجوا نازل گردید و به مؤمنان دستور داد که قبل از ملاقات خصوصی با پیامبر (صلی الله علیه و آله)، صدقه ای به مستمندان بپردازند، اما اغنیا از نجوا خودداری کردند و در نتیجه صدقه ای هم پرداخت نکردید. تا آنکه آیه دیگری یعنی: آیا ترسیدید (أَمْ أَشْفَقْتُمْ أَنْ تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَاتٍ): نازل گردید که (فقیر شوید) که از دادن صدقات قبل از نجوا خودداری کردید؟ و با این آیه، آیه قبل نسخ گردید. [۷۸]

آنچه در مورد آیه نجوا اهمیت دارد، آن است که تنها کسی که به آیه نجوا عمل کرد امیر مؤمنان علی (علیه السلام) بود. بنا بر آنچه طبری آورده است علی (علیه السلام) خود فرموده است: آیه ای در کتاب خدا وجود دارد که احدی قبل از من به آن عمل نکرده و احدی هم بعد از من به آن عمل نخواهد کرد و آن اینکه من یک دینار داشتم و آن را به ده درهم تبدیل کردم و هر زمان می خواستم با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نجوا کنم، [درهمی را صدقه می دادم]. ۷۹

با توجه به این حدیث، عمل به آیه نجوا یکی از فضایل اختصاصی علی (علیه السلام) به شمار می رود که از همان زمان نزول آیه بر دیگر صحابه نیز این فضیلت مخفی نماند، در اکثر تفاسیر اهل سنت از قول عبدالله بن عمر روایت شده است که او گفت: علی (علیه السلام) دارای سه فضیلت بود که اگر یکی از آنها برای من حاصل می گشت، آن فضیلت از شتران سرخ موی برای من بهتر بود. نخست تزویج آن حضرت با فاطمه زهرا (علیها السلام)، [دیگر دادن پرچم در روز خیبر به دست او و سوّم آیه نجوا]. ۸۰

با وجود این، برخی از متعصبان اهل سنت کوشیده اند که این فضیلت را برای علی (علیه السلام) اگر بزرگان اهل صحابه اقدام به این (السلام) کم رنگ جلوه دهند. از جمله آنکه می گویند کار (پرداخت صدقه) نکردند، نیازی به آن ندیدند و یا فرصت کافی نداشتند، یا فکر می کردند مبادا باعث ناراحتی فقرا و وحشت اغنیا گردد. بنابراین این کار موجب فضیلتی برای [۸۱]. علی (علیه السلام) یا سلب فضیلتی از دیگران نمی گردد

ولی گویا این متعصبان به آیه دوم توجه نکرده اند که خداوند به عنوان سرزنش می فرماید: «آیا (از فقر) ترسیدید که قبل از نجوا صدقاتی تقدیم کنید؟» علاوه بر آن در ذیل آیه، تعبیر توبه به میان آمده که از آن استفاده می شود که: اقدام به پرداخت صدقه و نجوا با پیامبر (صلی الله علیه و آله) کار مطلوبی بوده است و گر نه خودداری از آن سرزنش و [توبه نداشت]. ۸۲

اما سرّ عمل کردن علی (علیه السلام) به آیهٔ نجوا در این است که آن حضرت اساساً موقعیت ویژه ای نزد رسول خدا (صلی الله علیه وآله) داشت که بنا به آن موقعیت به حضور رسول خدا (صلی الله علیه وآله) رسیده و از خرمن دانش آن حضرت بهره ها می گرفت. **کنت اذا سألت رسول الله اعطاني و اذا سكت**»: حضرت خود در این باره می گوید

[۸۳] **«ابتدأني»**

هر گاه من از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) چیزی طلب می کردم به من عطا می :یعنی فرمود و چون ساکت می شدم، آن حضرت ابتدا به سخن می کرد. بر اساس این موقعیت، نزول آیهٔ نجوا نیز نتوانست فترت و فاصله ای در برنامهٔ علی (علیه السلام) با رسول خدا (صلی الله علیه وآله) به وجود آورد و اشتیاق علی (علیه السلام) به ملاقات با رسول خدا (صلی الله علیه وآله) موجب گردید که او تنها عمل کننده به آیهٔ نجوا گردد.

**- شکوه / ایشار ۱۳**

يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا \* وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا  
یعنی: «نیکوکاران به نذر خود وفا می کنند و از روزی که شر و عذابش [۸۴] «وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا»  
دامن گستر است، واهمه دارند. آنان غذای خود را با آنکه به آن تمایل (و نیاز) دارند به  
«مسکین و یتیم و اسیر می دهند»

در سورةٔ انسان، فرازی وجود دارد (از آیهٔ ۵ الی ۲۲) که خداوند در آن به :شرح و توضیح توصیف و تکریم گروهی از نیکان امت پرداخته است. طبق این آیات، نیکوکاران به نذرهای خود وفا کرده و علی رغم تمایلی که به غذای خود داشته اند آن را به ترتیب به مسکین، یتیم و اسیری بخشیده اند، در زمینهٔ این آیات - برای هر خواننده ای - سؤالاتی مطرح می شود از جمله

این نیکوکاران چه کسانی بوده اند؟ تاریخ صحیح و روایات معتبر چه کسانی را معرفی - ۱ - می کنند؟

موضوع نذر چه بوده و وفای به نذر چگونه صورت پذیرفته است؟ - ۲

این نذر در چه زمان و مکانی تحقق یافته؟ و آیا این آیات سخن از یک امر واقعی است - ۳  
یا حادثه ای فرضی و خیالی؟

:هنگامی که برای یافتن پاسخ این سؤالات به تاریخ مراجعه می کنیم درمی یابیم که

این نیکوکاران کسانی جز علی و فاطمه و حسنین (علیهم السلام) و کنیز آنان فضّه نبوده -  
اند.

موضوع نذر آنان انجام سه روز روزه آن هم در پی بیماری حسنین (علیهم السلام) بوده و -  
این نذر با اشاره رسول خدا (صلّی الله علیه وآله) صورت گرفته است

پس از شفای دو کودک، نیکوکاران جهت ایفای نذر خود، مشقّت سه روز روزه را بر خود -  
هموار کرده اند.

این نذر در مدینه و در اواخر حیات رسول خدا (صلّی الله علیه وآله) واقع شد و در -  
نخستین روز ادای آن، سائلی به هنگام مغرب، درب خانه نیکوکاران را به صدا درآورد و  
تقاضای کمک کرد. اهل بیت (علیهم السلام) که خود در تنگنا به سر می بردند، طعام  
مختصر خود را به آن فقیر داده و با آب روزه خود را افطار کردند. روز دوم به همین  
ترتیب یتیمی مراجعه کرد و مورد اطعام قرار گرفت و در روز سوم اسیری حلقه در را به  
صدا درآورد و از جانب نیکوکاران نیز تکرار ایثار

به (إِنَّ الْأُبْرَارَ يَشْرَبُونَ) در پایان این حادثه باشکوه، خدای تبارک و تعالی با نزول آیات  
ثبت این حادثه واقعی و نه حکایت فرضی و خیالی - چنانکه عده ای پنداشته اند [۸۵] تا به  
همیشه پرداخت. مفسّران اهل سنت این گزارش را غالباً در تفاسیر خود آورده اند [۸۶] و  
از شیعه نیز بزرگانی چون طبرسی [۸۷]، علامه مجلسی [۸۸]، علامه امینی [۸۹] و علامه  
طباطبایی [۹۰] استدلال های محکمی بر صحت این واقعه ذکر کرده اند.

یعنی، «کسانی که ایمان [۹۱] «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ» خیر» آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، آنان بهترین آفریدگان اند.» در این آیه قرار می گیرد. مطابق «شر البریه» به معنای بهترین خلق خداست که در مقابل «البریه روایاتی که در کتب شیعه و بسیاری از تفاسیر اهل سنت به چشم می خورد، مصداق «خیر البریه» علی (علیه السلام) و شیعیان او هستند. و این معرفی به وسیله رسول خدا (صلی الله تحقّق یافته است {خیر البریه} علیه وآله) و با نزول آیه

در این خصوص جابر بن عبدالله انصاری گوید: «نزد پیامبر (صلی الله علیه وآله) نشسته بودیم که علی (علیه السلام) آمد. پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمود: قسم به کسی که جانم در دست قدرت اوست، این علی و شیعیان او در قیامت رستگاران اند، آنگاه این آیه نازل از آن روز اصحاب .(إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ) :شد که جاء «: رسول خدا (صلی الله علیه وآله) هرگاه که علی (علیه السلام) را می دیدند می گفتند (یعنی: به تحقیق که خیر البریه آمد.[۹۲] ۱) «خیر البریه

اضافه می شود که روایات مربوط به آیه خیر البریه و انطباق آن با علی (علیه السلام) و شیعیان وی، از طرف بسیاری از صحابه از جمله: ابن عباس، حذیفه و عایشه نقل شده و از بررسی این روایات روشن می گردد که: علی (علیه السلام) در بین معاصران خود بهترین خلق خداوند (بعد از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) ) بوده و کسی از جهت فضیلت، تقوی به عنوان پیروان علی (علیه السلام)، «شیعه» و... به پای او نرسید و دیگر آنکه تعبیر تعبیری است که نخستین بار از ناحیه رسول خدا (صلی الله علیه وآله) وضع گردید و به تدریج این تعبیر برای پیروان علی (علیه السلام) به صورت اسم خاص مورد استفاده قرار گرفت.



## - کوثر رسالت، نسل پاینده ۱۵

۱ یعنی: «ما به تو [۹۳]» إنا أعطيناك الكوثر \* فصل لربك وأنحر \* إن شئتَ هو الأثر»  
کوثر (خیر و برکت فراوان) عطا کردیم. پس برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن.  
».(و بدان که) دشمن تو قطعاً بریده نسل و بلاعقب است

به طوری که طبرسی در شأن نزول این آیه آورده است: روزی عاص بن :شرح و توضیح  
وائل سهمی با رسول خدا (صلی الله علیه وآله) در مسجدالحرام ملاقات کرده و به گفتگو  
پرداخت. پس از پایان سخن، جمعی از بزرگان قریش با او دیدار کردند و از وی پرسیدند:  
با چه کسی سخن می گفتی؟ وی در جواب گفت: با ابتر سخن می گفتم. مقصود او از این  
تعبیر، رسول خدا (صلی الله علیه وآله) بود. زیرا در آن ایام پسر رسول خدا (صلی الله علیه  
وآله) به نام عبدالله از دنیا رفته بود و عرب کسی را که پسر نداشت، ابتر (بلاعقب) می  
نامید. در این موقع سوره کوثر نازل گردید و پیغمبر (صلی الله علیه وآله) را به کوثر و  
[نعمت های فراوان بشارت داد]. ۹۴

شأن نزول یاد شده را اکثر مفسران شیعه و سنی در تفاسیر خود آورده اند، هر چند که در  
تفسیر کوثر اختلاف نظر فراوانی وجود دارد. کوثر به معنای خیرکثیر است و قطعاً موارد  
زیادی - از جمله قرآن، علم فراوان، نهری در بهشت، نبوت و پیامبری، نسل و ذریه، مقام  
شفاعت و... - وجود دارد که هر کدام به عنوان مصداقی از کوثر قابل احتمال است. ولی با  
از آنجا که مشرکان، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) :توجه به شأن نزول یاد شده می توان گفت  
وآله) را به دلیل وفات فرزندان ذکور (پسرش) مورد شماتت قرار داده، ابتر خطاب می  
کردند، خدای تبارک و تعالی با رد نسبت ابتر به مخالفان پیامبر (صلی الله علیه و آله)، وی را  
صاحب کوثر اعلام نمود و به آن حضرت دستور داد که پس از دریافت این نعمت بزرگ،  
نماز گزارد و شتر قربانی کند. و با در نظر گرفتن این نکته ادبی که فعل ماضی «اعطینا»

حکایت از مضارع محقق الوقوع دارد، سورة شریفه کوثر متضمن دو خبر غیبی به شرح زیر است:

ما به تو خیر کثیر از جمله نسل و ذریه فراوان عطا خواهیم کرد به طوری که ابتر و ۱ -  
بلانسل نباشی.

ملامت کننده تو ابتر و بلانسل خواهد بود - ۲

چنان که می دانیم هر دو وعده الهی تحقق یافت و خدای تبارک و تعالی از طریق وجود مبارک فاطمه زهرا (علیها السلام) نسل پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله) را در سراسر عالم منتشر ساخت. چنان که از دشمنان آن حضرت نیز نسل و اثری باقی نگذاشت و یا اگر اثری باقی مانده آنها مجهول و ناشناخته اند. در بین مفسران اهل سنت، فخر رازی که احتمالات زیادی در مصداق کوثر ذکر کرده است، به عنوان نخستین احتمال از قول سدی نوشته است که: «در بین عرب مرسوم بود که اگر فرزند پسر کسی از دنیا رود به او ابتر می گفتند. چون فرزندان پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مکه موسوم به قاسم و عبدالله و نیز فرزند دیگر او به نام ابراهیم در مدینه در گذشتند، آنها گفتند که پیامبر ابتر است و جانشینی ندارد، اما خداوند با نزول این سوره مشخص کرد که دشمن پیامبر (صلی الله علیه و آله) به این صفت موصوف بوده و نسل آن حضرت تا قیامت تداوم دارد.» [۹۵]

در پایان یادآور می شود که در قرآن کریم آیات دیگری وجود دارد که طبق سبب نزول های موجود و یا روایات تفسیری معتبر، با اهل بیت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) تطبیق داده شده است. اما از آن جا که هدف در تنظیم این فصل، رعایت ایجاز و اختصار بوده است، تنها به ذکر ۱۵ مورد از آیات قرآنی بسنده گردید و طبعاً علاقه مندان می توانند جهت اطلاع بیشتر به تفاسیر روایی و یا کتاب های تخصصی - که به جمع آوری آیات نازله [در شأن اهل بیت (علیهم السلام) پرداخته اند - مراجعه کنند. [۹۶]

پی نوشت:

النساء، ۵۹. [۱]

الكافي، ۱/۲۸۷. [۲]

جهت آگاهی بیشتر در خصوص طبیعت اجمالی قرآن و در عین حال عدم نقیصه بودن [۳].  
این موضوع - خصوصاً از طریق مراجعه به آگاهان به معارف قرآن که رسول خدا (صلی الله  
علیه وآله) و امامان (علیهم السلام) بوده اند - بنگرید به بحارالانوار، (صلی الله علیه وآله)  
۲/۱۰۰.

القیامة، ۱۸ - ۱۹. [۴]

سنن ابن ماجه، ۱/۶، سنن ابی داود، ۴/۲۰۰. [۵]

النحل، ۴۴. [۶]

صحیح بخاری، ۱/۱۱۷. [۷]

تفسیر عیاشی، ۱/۲۱. [۸]

الاتقان، نوع هفتم. [۹]

الاتقان، ۴/۲۳۳. [۱۰]

الاتقان، ۴/۲۳۳. [۱۱]

تفسیر عیاشی، ۱/۲۱. [۱۲]

الکشاف، ۱/۶۴۹. [۱۳]

مجمع البیان، ۲/۷۶۲. [۱۴]

البقره، ۲۰۷. [۱۵]

تفسير عياشي، ١/١٢٠؛ و نیز بنگرید به تفسیر صافی، ١/٢٤١؛ نورالثقلین، ١/٢٠٤؛ [١٦].  
و بحارالانوار، ٣٦/٤٠ - ٥٠.

مجمع البيان، ١/٥٣٥. [١٧].

شرح نهج البلاغه، ١٣/٢٦٢؛ و نیز بنگرید به مفاتيح الغيب، ٥/٢٣٥؛ روح المعاني، [١٨].  
٢/٩٧.

شرح نهج البلاغه، ١٣/٢٦٢. [١٩].

همان. [٢٠].

شرح نهج البلاغه، ٤/٧٣. [٢١].

آل عمران، ٦١. [٢٢].

از جمله بنگرید به مجمع البيان، ١ / ٧٦٢؛ تفسير کشاف، ١/٣٦٩؛ تفسير القرآن [٢٣].  
العظيم، ١/٣٧٩ و صحيح مسلم، ٤/١٨٧١

النساء، ٥٩. [٢٤].

از جمله بنگرید به جامع البيان، ٥/٩٥، الکشاف، ١/٥٢٤؛ روح المعاني، ٤/٩٦؛ [٢٥].  
تفسير مراغي، ٢/٧٣؛ معالم التنزيل، ١/٤٤٥؛ و تفسير القرآن العظيم، ١/٥٢٩

مجمع البيان، ٣/١٠٠. [٢٦].

مفاتيح الغيب، ١٠/١٤٤. [٢٧].

الکشاف، ١/٥٢٤. [٢٨].

الكافي، ١/٢٨٧؛ با اندکی تلخیص و نیز بنگرید به تفسير عياشي، ١/٢٧٣؛ [٢٩].  
نورالثقلین، ١/٤٩٧ الى ٥٠٧؛ و تفسير الصافي، ١/٤٦٢ الى ٤٦٥

المائدة، ٣. [٣٠].

مجمع البيان، ٣/٢٤٦؛ و نیز بنگرید به تفسیر عیاشی، ١/٣٢١؛ تفسیر تبيان، [٣١].

٣/٤٣٥؛ المیزان، ٥/٢٧٨ الی ٢٨٣ و ٢٩٩ الی ٣١٠؛ و الغدير، ٢/١١٥ الی ١٣٧

از جمله بنگرید به جامع البيان، ٦/٨٠؛ فتح القدير، ٢/٩؛ و تفسیر مراغی، ٦/٥٤. [٣٢].

الغدير، ٢/١١٦ الی ١٢٥ و نیز المراجعات، ١٨٨ ضمیمه ٦٢٧: آیه الاكمال. [٣٣].

مفاتیح الغیب، ٣/٦٣٦؛ روح المعانی، ٤/٩١؛ تفسیر المنار، ٦/١١٦. [٣٤].

الكافی، ٢/٣٢٤. [٣٥].

المیزان، ٥/٢٨٣؛ تفسیر نمونه، ٤/٢٦٨. [٣٦].

تفسیر عیاشی، ١/٣٢١. [٣٧].

الكافی، ٢/١٨. [٣٨].

همان، ٢/١٨؛ باب دعائم الاسلام روایت ٥. [٣٩].

التبيان، ٣/٥٥٩؛ ١/٣٥٥، تفسیر القرآن العظيم، ٢/٧٤؛ الکشاف، ١/٦٤٩؛ معالم. [٤٠].

التنزيل، ٢/٤٩؛ و نیز بحار الانوار، ٣٥/١٨٣ الی ٢٠٦

تفسیر عیاشی، ١/٣٥٥؛ به نقل از عمار یاسر. [٤١].

بحار الأنوار، ٣٥/٢٠٠. [٤٢].

التبيان، ٣/٥٥٩؛ با اندکی تلخیص و نیز بنگرید به استدلال های علامه مجلسی در. [٤٣].

بحار الانوار، ٣٥/٢٠٣ الی ٢٠٦

التوبه، ١٠٣؛ و نیز الكافی، ٣/٤٩٧. [٤٤].

الکشاف، ١/٦٤٩. [٤٥].

المائدة، ٦٧. [٤٦]

از جمله بنگرید به تفسیر قمی، ١/١٧١؛ تفسیر عیاشی، ١/٣٦٠ الى ٣٦٢؛ التبیان، [٤٧].  
٣/٥٨٨؛ مجمع البیان، ٣/٣٤٤؛ الصافی، ٢/٥١ الى ٧١؛ مفاتیح الغیب، ١٢/٥٠؛ غرائب  
القرآن، ٢/٦١٦؛ الدر المنثور، ٢/٢٥٩؛ و نیز روح المعانی، ٦/١٩٥

الغدیر، ١/٢٩ الى ٣٤؛ سیرة المصطفی، ٦٩٣؛ تفسیر عیاشی، ١/٣٦٠. [٤٨]

همان، ١/٣٦٠؛ و نیز مجمع البیان، ٣/٣٤٤؛ از قول حاکم حسانی در شواهد. [٤٩]  
التنزیل

الکشاف، ١/٦٥٩؛ المنار، ٦/٤٦٧. [٥٠]

تفسیر القرآن العظیم، ٢ / ٨١؛ البحر المحیط، ٤ / ٣٢١؛ مفاتیح الغیب، ١٢ / ٥٠. [٥١]

مفاتیح الغیب، ١٢/٥٠؛ البحر المحیط، ٤/٣٢١؛ التحریر و التنویر، ٦/٢٥٥. [٥٢]

آل عمران، ٦١. [٥٣]

المنار، ٦/٤٦٥؛ با اندکی اختصار. [٥٤]

الحدید، ١٥. [٥٥]

منابع و مطالب تفصیلی را بنگرید در الغدیر، ٢/٨٨ الى ١١٤. [٥٦]

التوبة، ٣. [٥٧]

بحار الأنوار، ٣٥/٢٨٩ الى ٣١٢؛ در نزول سورة براءة. [٥٨]

از جمله بنگرید به تفسیر القرآن العظیم، ٢/٣٤٦؛ مفاتیح الغیب، ١٥/٣١٨؛ فتح. [٥٩]  
...القدیر، ٢/٣٣٤؛ روح المعانی، ١٠/٤٤ و

[حسین منی و انا من](#) " جهت اطلاع بیشتر بنگرید به یادنامه علامه امینی، مقاله [۶۰].

از استاد محمدباقر بهبودی "[حسین](#)

التوبه، ۱۹. [۶۱].

مجمع البیان، ۵/۲۳؛ به نقل از شواهد التنزیل. [۶۲].

همان مأخذ. [۶۳].

التوبه، ۲۰؛ و نیز بنگرید به تفسیر القرآن، ۲/۲۴۱؛ اسباب النزول واحدی ذیل آیه [۶۴].  
۱۹ توبه.

الشعراء، ۲۱۴. [۶۵].

تاریخ طبری، ۲/۳۲۱؛ و نیز مجمع البیان، ۷/۳۲۲. [۶۶].

تاریخ طبری، ۲/۳۲۲. [۶۷].

الاحزاب، ۳۳. [۶۸].

همان، ۵/۳۲۸ و ۶۲۲ و ۶۵۷. [۶۹].

سنن ترمذی، ۵/۳۲۸. [۷۰].

الشعراء، ۱۰۹؛ از زبان حضرت نوح، ۱۲۷ از زبان حضرت هود، ۱۴۵؛ از زبان [۷۱].  
(حضرت صالح، ۱۶۴؛ از زبان حضرت لوط و ۱۸۰، از زبان حضرت شعیب (علیه السلام).

الفرقان، ۵۷. [۷۲].

تفسیر القرآن العظیم، ۴/۱۲۱. [۷۳].

همان، ۴/۱۲۱. [۷۴].

الکشاف، ۴/۲۲۰. [۷۵].

مفاتيح الغيب، ٢٧/١٦٦. [٧٦]

المجادله، ١٢. [٧٧]

مجمع البيان، ٩/٢٥٢؛ مفاتيح الغيب، ٢٩/٢٧١؛ جامع البيان، ١٥/٢٨. [٧٨]

تفسير طبري، ٢٨/١٥؛ و نیز: الدر المنثور، ٦/١٨٥؛ معالم التنزيل، ٧/٢٤؛ فتح. [٧٩]  
القدير، ٥/١٩١

اسد الغابه، ٤/٢٦؛ مجمع البيان، ٩/٢٥٢؛ معالم التنزيل، ٧/٤٤. [٨٠]

مفاتيح الغيب، ٢٩/٢٧٢. [٨١]

البيان، ٢٧٩؛ تفسير نمونه، ٢٣/٤٥٣. [٨٢]

سنن ترمذی، ٥/٥٩٥ و ٥٩٨. [٨٣]

الانسان، ٨-٧. [٨٤]

مانند قرطبی در جامع الأحكام و ابوحیان توحیدی در البحر المحیط. [٨٥]

از جمله بنگرید به الکشاف، ٤/٦٧٠؛ مفاتيح الغيب، ٣٠/٢٤٤؛ فتح القدير، ٥/٣٤٩. [٨٦]  
انوار التنزيل، ٢/٥٥٢

مجمع البيان، ١٠/٦١١ الى ٦١٤. [٨٧]

بحار الأنوار، ٣٥/٢٣٧؛ با عنوان: فی نزول سورة هل اتی. [٨٨]

الغدير، ٥/١٨٩ و ٢٨٤. [٨٩]

الميزان، ٢٠/٣٦٣ الى ٣٧٠. [٩٠]

اليينه، ٧. [٩١]



بنگرید به فتح القدير، ۵/۴۷۷؛ الدر المنثور، ۶/۳۷۹؛ مجمع البيان، ۱۰؛ الغدير، [۹۲].  
۲/۵۷؛ الميزان، ۲۰/۷۵۸؛ و نیز المراجعات، ۹۶؛ و نیز بخش تعلیقات، ۶۲، رقم ۱۱۱.

الكوثر، ۱ الى ۳. [۹۳].

مجمع البيان، ۱۰/۸۳۶. [۹۴].

مفاتيح الغيب، ۳۲/۱۳۳. [۹۵].

از جمله بنگرید به تأویل الآيات الظاهرة فی فضایل العترة الطاهرة از سیدشرف [۹۶].  
الدین نجفی (از علمای قرن دهم) و بررسی شخصیت اهل بیت: در قرآن به روش قرآن به  
قرآن تألیف دکتر ولی الله نقی پور<sup>۶</sup>

---

<sup>۶</sup> hawzah.net/fa/Article/View/99010